

راهنمای استفاده از کتاب

برای کسب بهترین نتیجه در امتحانات مدرسه گام‌های زیر را به ترتیب برای هر فصل طی کنید.

فیلم آموزشی

گام

اول

۱. هر فصل به تعدادی قسمت تقسیم شده است.

۲. برای استفاده از فیلم‌های آموزشی هر قسمت QR-Code های صفحه ۶ و ۷ را اسکن کنید.

۳. در هر قسمت مطالب کتاب درسی تدریس شده است.

درسنامه آموزشی

گام

دوم

۱. کلمه‌های جدید هر درس به همراه معنی آن‌ها و تعیین نوع کلمه (اسم، صفت، فعل و ...)، واژگان هم‌خانواده، مترادف و متضاد، موضوعی و هم‌نشین‌ها آورده شده است. این کلمه‌ها در قالب یک جمله با ترجمه فارسی آن آورده شده است تا کلمه‌های جدید به صورت کاربردی نشان داده شوند. در ضمن ترتیب این کلمه‌ها به صورت سطر به سطر می‌باشد.

۲. بخش گرامر و نگارش هر درس به طور کامل تشریح شده است. در درس نامه‌های هر درس، نمونه مثال‌های تشریحی و تستی با پاسخ کامل تشریحی منظور شده است تا به فهم عمیق مطالب کمک کند.

۳. کلیه متن‌های کتاب درسی خط به خط با ترجمه روان و سلیس آورده شده است.

۴. تمامی واژگان جدید سال دوازدهم به صورت الفبایی در انتهای جلد اول آورده شده است.

۵. «نکته‌های طلایی» به شما کمک خواهد کرد مطالبی فراتر از کتاب اما مرتبط با درس بیاموزید.

۶. قسمت‌های ضمیمه (لیست پیشنوندها و پسوندها، فعل‌های بی‌قاعده و ...) نیز به شما کمک خواهد کرد تا بتوانید بهتر و راحت‌تر به مطالب مورد نیاز دسترسی پیدا کنید.

۷. در ضمن برای یادگیری تلفظ کلمه‌های جدید می‌توانید با اسکن کردن QR-Code درج شده در بالای هر بخش (Part) به فایل صوتی کلمه‌ها به همراه معنی فارسی آن‌ها دسترسی داشته باشید.

گام

سوم

پرسش‌های تشریحی

۱. سؤال‌های امتحانی هر درس، در قالب «واژگان»، «گرامر»، «نگارش»، «مکالمه»، متن «Cloze» و متن «Reading Comprehension» منظور شده است و انواع سؤال‌های تستی و تشریحی را پوشش می‌دهد که دارای پاسخ‌های کاملاً تشریحی است.

۲. سؤال‌های هر درس همه مطالب کتاب درسی را پوشش می‌دهد.

۳. این سؤال‌ها دانش‌آموزان را برای امتحان‌های مدرسه آماده می‌کند.

۴. این سؤال‌ها می‌تواند منبع مناسبی برای ارزشیابی دبیران محترم باشد.

جمع‌بندی

گام

چهارم

در انتهای کتاب چند دوره نمونه سؤالات امتحانی سال‌های اخیر با پاسخ‌های تشریحی آمده است. توصیه می‌شود برای جمع‌بندی همه درس‌ها به این سؤالات پاسخ دهید و پاسخ‌های خود را با راهنمای تصحیح هر آزمون مقایسه کنید.

به جای آن‌که چندین کتاب بخوانید، کتاب‌های گاج را چندین بار بخوانید

جلد اول آموزش

Lesson 1: Sense of Appreciation

Part 1: (Pages: 15-20)	10
Part 2: (Pages: 21-23)	12
Part 3: (Pages: 24-28)	13
Part 4: (Pages: 29-41)	17

Lesson 2: Look it Up!

Part 1: (Pages: 43-48)	34
Part 2: (Pages: 49-51)	36
Part 3: (Pages: 52-56)	37
Part 4: (Pages: 57-69)	41

Lesson 3: Renewable Energy

Part 1: (Pages: 71-76)	58
Part 2: (Pages: 77-79)	60
Part 3: (Pages: 80-85)	62
Part 4: (Pages: 86-99)	68

Paragraph Writing	85
Prefix & Suffix	99
Irregular Verbs	102
A-Z Vocabulary	105

جلد دوم امتحان

Lesson 1: Sense of Appreciation

Part 1: (Pages: 15-20)	114
Part 2: (Pages: 21-23)	116
Part 3: (Pages: 24-28)	117
Part 4: (Pages: 29-41)	119

Lesson 2: Look it Up!

Part 1: (Pages: 43-48)	136
Part 2: (Pages: 49-51)	137
Part 3: (Pages: 52-56)	139
Part 4: (Pages: 57-69)	142

Lesson 3: Renewable Energy

Part 1: (Pages: 71-76)	158
Part 2: (Pages: 77-79)	160
Part 3: (Pages: 80-85)	162
Part 4: (Pages: 86-99)	164

امتحان نهایی



آزمون ۸: خرداد ماه ۱۴۰۰ (رشته انسانی)	۲۱۱
آزمون ۹: خرداد ماه ۱۴۰۰ (رشته ریاضی و تجربی)	۲۱۵
آزمون ۱۰: شهریور ماه ۱۴۰۰	۲۲۰
آزمون ۱۱: دی ماه ۱۴۰۰	۲۲۴
آزمون ۱۲: خرداد ماه خارج ۱۴۰۱	۲۲۹
آزمون ۱۳: خرداد ماه ۱۴۰۱	۲۳۴
پاسخنامه تشریحی آزمون ۱ تا ۱۳	۲۳۹

آزمون ۱: خرداد ماه ۱۳۹۸	۱۸۰
آزمون ۲: شهریور ماه ۱۳۹۸	۱۸۳
آزمون ۳: دی ماه ۱۳۹۸	۱۸۷
آزمون ۴: خرداد ماه ۱۳۹۹ (رشته ریاضی و تجربی)	۱۹۱
آزمون ۵: خرداد ماه ۱۳۹۹ (رشته انسانی)	۱۹۷
آزمون ۶: شهریور ماه ۱۳۹۹	۲۰۳
آزمون ۷: دی ماه ۱۳۹۹	۲۰۷

درسنامه

Vocabulary Development

هم‌نشین‌ها "Collocations"

هم‌نشین‌ها معمولاً دو کلمه هستند که با هم می‌آیند و در کنار هم دارای مفهوم هستند و در زبان انگلیسی و از نظر انگلیسی زبان‌ها پذیرفته شده و درست هستند. به عبارت دیگر ما به عنوان کسانی که زبان انگلیسی، زبان مادری‌مان نیست نمی‌توانیم هر دو کلمه‌ای را در کنار هم قرار دهیم و یک عبارت معنی‌دار بسازیم، حتی اگر از نظر معنایی درست به نظر برسند. زیرا این ترکیب برای انگلیسی زبان‌ها یک ترکیب رایج نیست. به عنوان مثال باید بگوییم «do homework» و نمی‌توانیم بگوییم «write homework».

fast food / quick meal

یا مثلاً می‌گوییم:

quick food / fast meal

اما نمی‌توانیم بگوییم:

strong winds / heavy rain

می‌گوییم:

heavy winds / strong rains

اما نمی‌توانیم بگوییم:

* برای دیدن لیست کامل «هم‌نشین‌های» این درس به بخش آموزش واژگان مراجعه کنید.

Lesson 1

PART 4



(Pages 29 - 41)

Grammar - Listening & Speaking - Writing - What You Learned

Vocabulary

واژگان درس

known (adj.)

معروف، مشهور، شناخته‌شده

Mr. Thomas is a known physician.

«آقای توماس یک پزشک شناخته‌شده است.»

⇒ ≠ unknown (adj.)

ناشناخته، ناشناس

⇒ knowledge (n.)

دانش

⇒ know (v.)

دانستن، شناختن

⇒ knowledgeable (adj.)

مطلع، آگاه

⇒ knowing (adj.)

دانا، فهمیده

⇒ knowingly (adv.)

آگاهانه

⇒ knowledgeably (adv.)

به طور آگاهانه

poet (n.)

شاعر

Can you name some Iranian poets?

«آیا می‌توانید چند شاعر ایرانی نام ببرید؟»

⇒ poem (n.)

شعر

⇒ poetry (n.)

فن شاعری، شعر

⇒ poetical (adj.)

شاعرانه

⇒ poetically (adv.)

به طور شاعرانه

sometime (adv.)

یک روزی، زمانی (در آینده)

We must get together sometime.

«ما باید یک روزی دور هم جمع بشویم.»

A.D. (abbr. of Anno Domini)

بعد از میلاد

He was born in 1310 A.D. «او در سال ۱۳۱۰ بعد از میلاد متولد شد.»

childhood (n.)

دوران کودکی

He spent most of his childhood in Egypt.

«او بیش‌تر دوران کودکی‌اش را در مصر گذراند.»

⇒ child (n.)

بچه، کودک

⇒ childishness (n.)

بجگی، کودکی

⇒ childish (adj.)

بجگانه

⇒ childishly (adv.)

به طرز بجگانه

by heart

از حفظ، از بر

I know his poems by heart.

«من شعرهای او را از حفظ می‌دانم.»

mostly (adv.)

اکثراً، بیش‌تر وقت‌ها

Mostly he eats in a restaurant.

«او اکثراً در رستوران غذا می‌خورد.»

poetry (n.)

فن شاعری، شعر، شرایبی، شعر

At school we had to learn a lot of poetry by heart.

«ما در مدرسه مجبور بودیم تعداد زیادی شعر را از حفظ یاد بگیریم.»

⇒ poem (n.)

شعر

⇒ poet (n.)

شاعر

⇒ poetical (adj.)

شاعرانه

⇒ poetically (adv.)

به طور شاعرانه

ethic(s) (n.) اخلاق، اصول اخلاقی

They have a very strong work ethic.

«آن‌ها اصول اخلاق کاری بسیار قوی‌ای دارند.»

- ⇒ ethical (adj.) مربوط به اصول اخلاق
 ⇒ ethically (adv.) اخلاقی، به طرز اخلاقی

countless (adj.) بی‌شمار، نامحدود، بسیار زیاد

She had told the joke countless times before.

«او قبلاً آن لطیفه را به دفعات بسیار زیادی گفته بود.»

- ⇒ counter (n.) شمارنده، کنتور
 ⇒ count (v.) شمردن
 ⇒ countable (adj.) (≠ uncountable) قابل شمارش

including (prep.) شامل

I've got three days' holiday including New Year's Day.

«من سه روز تعطیلی شامل روز عید را دارم.»

- ⇒ inclusion (n.) شمول، گنجایش
 ⇒ include (v.) شامل کردن، گنجانیدن
 ⇒ inclusive (adj.) مشمول، گنجاننده
 ⇒ included (adj.) شامل شده، گنجانده شده

inspiration (n.) الهام، الهام بخشی، منبع الهام

Her inspiration comes from Asia.

«منبع الهام او از آسیا می‌آید.»

- ⇒ inspire (v.) الهام بخشیدن، الهام گرفتن
 ⇒ inspiring (adj.) (≠ uninspiring) الهام بخش ≠ ناامید کننده
 ⇒ inspired (adj.) (≠ uninspired) الهام شده ≠ بی الهام، بی روح
 ⇒ inspirational (adj.) الهام بخش

author (n.) نویسنده

Who is your favorite author?

«نویسنده مورد علاقه تو چه کسی است؟»

pancake (n.) نوعی کلوچه، پن کیک

This pancake is very delicious.

«این کلوچه خیلی خوشمزه است.»

fix (v.) تعمیر کردن

The car won't start, can you fix it?

«اتومبیل روشن نمی‌شود. آیا شما می‌توانید آن را تعمیر کنید؟»

discover (v.) کشف کردن، فهمیدن

We are trying to discover the truth.

«ما سعی داریم حقیقت را کشف کنیم.»

- ⇒ discovery (n.) کشف، اکتشاف
 ⇒ discoverer (n.) مکتشف، کشف کننده

solution (n.) راه حل

There's no simple solution to this problem.

«هیچ راه حل ساده‌ای برای این مشکل وجود ندارد.»

- ⇒ solve (v.) حل کردن
 ⇒ solvable (adj.) (≠ unsolvable) قابل حل ≠ غیر قابل حل
 ⇒ unsolved (adj.) حل نشده

smartphone (n.) تلفن هوشمند

How much is this smartphone?

«قیمت آن تلفن هوشمند چه قدر است؟»

for instance برای مثال، به عنوان مثال

What would you do for instance, if you found a gold watch?

«شما به عنوان مثال اگر یک ساعت طلا پیدا می‌کردید، چه کار می‌کردید؟»

accidentally (adv.) به طور تصادفی، تصادفی

As I turned around, I accidentally hit him in the face.

«همین که من چرخیدم، به طور تصادفی به صورت او ضربه زدم.»

- ⇒ accident (n.) تصادف
 ⇒ accidental (adj.) تصادفی

microwave oven (n.) مایکروویو

I took my lunch out of the microwave oven.

«من ناهارم را از داخل مایکروویو بیرون آوردم.»

tool (n.) ابزار، وسیله

Always select the right tool for the job.

«همیشه برای کار، ابزار درست انتخاب کنید.»

dishwasher (n.) ماشین ظرفشویی

Are these glasses dishwasher safe?

«آیا این لیوان‌ها در ماشین ظرفشویی در امان هستند؟»

ordinary (adj.) معمولی، عادی

The images can be printed on ordinary paper.

«تصویرها می‌توانند بر روی کاغذ معمولی پرینت شوند.»

omelet (n.) املت

Do you like cheese and mushroom omelet?

«آیا شما املت پنیر و قارچ دوست دارید؟»

enjoyable (adj.) لذت بخش، خوشایند

We had an enjoyable weekend.

«ما آخر هفته لذت بخشی داشتیم.»

- ⇒ enjoyment (n.) لذت، خوشی
 ⇒ enjoy (v.) لذت بردن

rest (n.) استراحت

Try to get some rest, you have a busy day tomorrow.

«سعی کن استراحت کنی، فردا روز پرمشغله‌ای داری.»

hate (v.) متنفر بودن از، تنفر داشتن از

I hate coming home late.

«من از دیر به خانه آمدن متنفر هستم.»

- ⇒ hate (n.) نفرت
 ⇒ hated (adj.) منفور
 ⇒ hateful (adj.) نفرت انگیز

install (v.) نصب کردن

Did you install the program on the laptop?

«آیا آن برنامه را روی لپ تاپ نصب کردید؟»

yet با این حال، با این وجود

He has a good job, and **yet** he never seems to have any money.

«او شغل خوبی دارد و با این حال هیچ وقت به نظر نمی رسد پولی داشته باشد.»

heritage (n.) میراث

This building is part of our national **heritage**.
«این ساختمان قسمتی از میراث ملی ما است.»

regarding (prep.) در مورد، راجع به

We have much to learn from our parents **regarding** our heritage.

«ما باید در مورد میراث مان، از والدین مان خیلی یاد بگیریم.»

belonging (n.) تعلق

This heritage and history brings a sense of **belonging**.

«این میراث و تاریخ حس تعلق (را به ارمغان) می آورد.»

⇒ belong (v.) تعلق داشتن، متعلق بودن

⇒ belongings (n.) متعلقات

most importantly از همه مهم تر

Most importantly, can he be trusted?

«از همه مهم تر، آیا می توان به او اطمینان کرد؟»

responsibility (n.) مسئولیت

I don't feel ready to take on new **responsibilities**.

«من احساس آمادگی نمی کنم که مسئولیت های جدید را بپذیرم.»

⇒ responsible (adj.) (≠ irresponsible)

مسئول، مسئولیت پذیر ≠ بی مسئولیت

⇒ responsive (adj.) پاسخگو

⇒ responsibly (adv.) مسئولانه

generation (n.) نسل

We need to keep the planet for future **generations**, too.

«ما باید این سیاره را برای نسل های آینده نیز نگه داریم.»

add (v.) اضافه کردن، افزودن

Can I **add** your name to the list?

«آیا می توانم نام شما را به لیست اضافه کنم؟»

role (n.) نقش

Every member of the team must have a clear **role**.

«هر عضوی از تیم باید نقش مشخصی داشته باشد.»

moral (n.) اخلاق، سیرت

Young people these days have no **morals**.

«این روزها افراد جوان اصول اخلاقی را رعایت نمی کنند.»

⇒ morality (n.) اخلاق

⇒ moralist (n.) اخلاق گرا

⇒ moralize (v.) اخلاقی کردن

⇒ moralistic (adj.) اخلاقی

principle (n.) اصل، قاعده

We must get back to first **principles**.

«ما باید به اصول اولیه بازگردیم.»

elders (n.) بزرگ ترها، ریش سفیدها

Children have no respect for the **elders** nowadays.

«امروزه بچه ها هیچ احترامی برای بزرگ ترها قائل نیستند.»

either (conj.) یا (or)

She is the kind of person you **either** love or hate.

«او از آن افرادی است که شما یا دوستش دارید یا از او متنفرید.»

bring up (phr. v.) پرورش دادن، بزرگ کردن

She **brought up** five children.

«او پنج فرزند را بزرگ کرد.»

set (n.) (ظرف) دست، مجموعه

He bought a **set** of six chairs.

«او یک دست صندلی شش تایی خرید.»

willing (adj.) مایل، راغب، مشتاق، خواهان

I'm perfectly **willing** to discuss the problem.

«من کاملاً مایل هستم در مورد آن مشکل بحث کنم.»

guideline (n.) رهنمون، دستور العمل

It may help to have a few **guidelines** to follow.

«داشتن چند رهنمون و دنبال کردن آن ها ممکن است کمک کند.»

peaceful (adj.) آرام، صلح آمیز

Mrs. Tyson had a **peaceful** life.

«خانم تایسون زندگی آرامی داشت.»

⇒ peace (n.) صلح، آرامش

⇒ peacekeeper (n.) حافظ صلح، صلح بان

⇒ peacefully (adv.) صلح جویانه

blessing (n.) نعمت، موهبت، برکت

It's a **blessing** that nobody was in the house at the time.

«نعمتی است که در آن زمان هیچ کس در خانه نبود.»

⇒ bless (v.) برکت دادن، تقدیس کردن

⇒ blessed (adj.) مبارک، متبارک

Workbook Vocabulary

واژگان کتاب کار

**note** (v.) توجه داشتن

Please **note** that the office will be closed on Monday.

«لطفاً توجه داشته باشید که اداره در دوشنبه تعطیل خواهد بود.»

a few years hence تا چند سال دیگر

The true results will be known **a few years hence**.

«نتایج واقعی تا چند سال دیگر مشخص خواهند شد.»

failure (n.) شکست

The success or **failure** of the plan depends on you.

«موفقیت یا شکست برنامه به شما بستگی دارد.»

⇒ fail (v.) شکست خوردن

⇒ failing (adj.) شکست خورده

⇒ failed (adj.) شکست خورده

thus (adv.) بنابراین

He is the eldest son and **thus** should be respected.

«او بزرگ‌ترین پسر است و بنابراین باید مورد احترام قرار بگیرد.»

deserve (v.) لایق بودن، لیاقت داشتن

You really **deserve** a medal! «تو واقعاً لایق مدال هستی!»

⇒ deserved (adj.) (≠ undeserved) لایق، شایسته ≠ نالایق

⇒ deserving (adj.) (≠ undeserving) لایق، شایسته ≠ نالایق

unconditionally (adv.) بدون قید و شرط

I help my sister **unconditionally**.

«من به خواهرم بدون قید و شرط کمک می‌کنم.»

⇒ condition (n.) شرط، وضعیت

⇒ conditional (adj.) (≠ unconditional) شرطی ≠ غیرشرطی

⇒ conditionally (adv.) (≠ unconditionally) به طور مشروط ≠ به طور بی‌قید و شرط

honored (adj.) مفتخر

He was very **honored** to be chosen.

«او از این‌که انتخاب شد خیلی مفتخر بود.»

⇒ honor (n.) (≠ dishonor) افتخار ≠ ننگ، رسوایی

⇒ honest (v.) (≠ dishonest) درستکار ≠ متقلب

⇒ honorable (adj.) (≠ dishonorable) آبرومند، پرافتخار ≠ بی‌آبرو

duty (n.) وظیفه، تکلیف

It is my **duty** to report it to the police.

«وظیفه من است که آن را به پلیس گزارش دهم.»

⇒ dutiful (adj.) مطیع، فرمان‌بردار

⇒ dutifully (adv.) از روی وظیفه‌شناسی

handle (v.) مدیریت کردن، اداره کردن

We all have to learn to **handle** stress.

«همه ما مجبوریم یاد بگیریم که استرس را مدیریت کنیم.»

unreal (adj.) غیر واقعی

Many people have **unreal** expectations.

«بسیاری از مردم توقعات غیر واقعی دارند.»

⇒ reality (n.) واقعیت

⇒ realism (n.) واقع‌گرایی

⇒ realist (n.) واقع‌گرا

⇒ realize (v.) واقعی (محقق) کردن، فهمیدن

⇒ realistic (adj.) (≠ unrealistic) واقع‌بینانه ≠ غیر واقع‌بینانه، خیالی

⇒ realistically (adv.) (≠ unrealistically) به طور واقع‌بینانه ≠ به طور غیر واقع‌بینانه

within (prep.) در، در مدت، ظرف

You should receive a reply **within** seven days.

«شما باید در مدت هفت روز پاسخ را دریافت کنید.»

lack (n.) عدم، فقدان

I've lost those skills through **lack** of practice.

«من آن مهارت‌ها را به علت عدم تمرین از دست داده‌ام.»

grateful (adj.) قدردان، سپاسگزار

I'll be **grateful** for your help.

«من به خاطر کمک شما سپاسگزار خواهم بود.»

⇒ ungrateful (adj.) ناسپاس

⇒ gratefully (adv.) از روی سپاسگزاری

toy (n.) اسباب‌بازی

We bought some **toys** for the baby.

«ما برای بچه تعدادی اسباب‌بازی خریدیم.»

end (v.) پایان یافتن، به پایان رسیدن

World War II **ended** in 1945.

«جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ به پایان رسید.»

fridge (n.) یخچال

Place the butter in the **fridge**.

«گره را در یخچال قرار بده.»

butter (n.) گره

If you're hungry, have some bread and **butter**.

«اگر گرسنه هستی، مقداری نان و گره بخور.»

inform (v.) اطلاع دادن، مطلع کردن

Please **inform** me of when you go.

«لطفاً من را از این‌که چه موقع می‌روید، مطلع کنید.»

⇒ information (n.) (≠ misinformation) اطلاعات ≠ اطلاعات غلط

⇒ informant (n.) جاسوس، مخبر

⇒ informer (n.) خبرچین، جاسوس

⇒ misinform (v.) اطلاعات غلط دادن

⇒ informed (adj.) (≠ uninformed) مطلع ≠ نامطلع

⇒ misinformed (adj.) همراه

⇒ informative (adj.) حاوی اطلاعات، آموزنده

result (n.) نتیجه

She died as a **result** of her injuries.
«او در نتیجه جراحاتش از دنیا رفت.»

robber (n.) دزد، سارق

Police are searching for the **robbers**.
«پلیس در جستجوی سارقان است.»

⇒ robbery (n.) دزدی، سرقت
⇒ rob (v.) دزدیدن، سرقت کردن

parrot (n.) طوطی

Parrots are beautiful birds.
«طوطی‌ها پرندگان زیبایی هستند.»

cage (n.) قفس

I don't like seeing animals in **cages**.
«من دوست ندارم حیوانات را در قفس ببینم.»

steal (v.) دزدیدن، سرقت کردن

He **stole** money from the shop.
«او از فروشگاه پول دزدید.»

واژگان مترادف و متضاد

کلمه	مترادف	متضاد
aloud	loudly	quietly
author	writer	---
boost	develop; raise	decrease; lower
calmly	peacefully	---
care for	look after; defend; support	destroy; endanger; harm
careful	---	careless
close	warm; near	cold; far
countless	many; lots of	few; limited
cruel	unkind	friendly; kind; good
dedicated	committed	uncommitted
distinguished	brilliant; well-known	ordinary
donate	give away	keep
elder	older	younger
elderly	aged; old	young
enjoyable	amusing; pleasant; fun	bad; boring; hateful
ethics	beliefs	---
forgive	excuse	---
found	start; create; form	end; finish
friendly	kind; helpful; close	bad; cold; unhelpful
function	action; work	inactivity
guess	think; believe	---
guideline	rule; instruction	---
hate	dislike	like; love
helpful	useful; valuable	unhelpful; useless
heritage	custom; tradition	---
hometown	motherland	---
improve	boost; develop; increase	decrease; lower; stop
increase	boost; rise	decrease
kind	friendly; loving	cold; cruel; disliking
lazy	inactive	active; energetic; hard-working
lovely	pleasant	unpleasant

کلمه	مترادف	متضاد
loving	friendly; warm	cold; disliking
lower	decrease	increase; develop
ordinary	normal; general	unusual; uncommon
pause	stop; discontinue	continue
peaceful	quiet; calm	noisy; unfriendly; wild
physician	doctor; specialist	---
polite	good-natured; respectful	impolite; disrespectful
poor	low; needy	rich; wealthy
reply	answer	---
score	mark; grade	---
solution	explanation; key	---
strength	power; energy	weakness
successful	lucky; fruitful	unsuccessful; unfortunate
sure	certain; confident	unsure; uncertain
take care of	look after; defend	destroy; harm; hurt
terrible	unpleasant; dangerous	good; nice; beautiful
thousands of	many	few
willing	eager; pleased	disinterested

واژگان هم نشین

اسم + فعل	
ask questions	سؤال پرسیدن
burst into tears	(ناگهان) به گریه افتادن
care for (somebody)	از کسی مراقبت کردن
check somebody's health condition	چک کردن وضعیت سلامت یک شخص
cure people / children	درمان کردن مردم / کودکان
discover penicillin	کشف کردن پنی سیلین
do exercise	ورزش کردن
do homework	انجام دادن تکلیف
feed pigeons	غذا دادن به کبوترها
find solutions	پیدا کردن راه حل
fix cars	تعمیر کردن اتومبیل
hate spaghetti / something / someone	متنفر بودن از اسپاگتی / چیزی / شخصی
have (enough) time	وقت (کافی) داشتن
install a mobile dictionary	نصب کردن فرهنگ لغت موبایل

اسم + فعل	
keep a diary	نوشتن دفتر خاطرات
learn Chinese	یاد گرفتن زبان چینی
lower blood pressure	کاهش دادن فشار خون
make mistakes	اشتباه کردن
make pancakes / an omelet	درست کردن کلوچه / املت
pass the exam	قبول شدن در آزمون
read a newspaper / book	خواندن روزنامه / کتاب
receive education / a diploma	کسب کردن تحصیلات / گرفتن دیپلم
record your thoughts / feelings	ثبت کردن افکار / احساسات
respect people / parents / others	احترام گذاشتن به افراد / والدین / دیگران
spare no pains	از چیزی دریغ نکردن
study / teach medicine	پزشکی خواندن / درس دادن
take temperature	گرفتن (میزان) تب
wash the dishes	شستن ظرف‌ها
weave a carpet	بافتن فرش
اسم + صفت	
close friends	دوستان صمیمی
distinguished professor	استاد دانشگاه ممتاز
elderly people	افراد سالمند
famous / dedicated physician	پزشک معروف / متعهد
future generations	نسل‌های آینده
heavy rain	باران شدید
poor families / people	خانواده‌ها / افراد فقیر
quick meal	غذای سریع
strong winds	بادهای شدید
wonderful time	اوقات خوب (شگفت‌انگیز)
اسم + اسم	
blood pressure	فشار خون
brain function	عملکرد مغز
family members	اعضای خانواده
spring morning	صبح بهاری

واژگان موضوعی

افراد	
children	بچه‌ها، کودکان
elderly	سالمندان
elders	بزرگ‌ترها، سالمندان
father	پدر
grandchild	نوه
grandmother	مادر بزرگ
mother	مادر
parents	والدین
son	پسر
teenager	نوجوان
uncle	عمو؛ دایی

صفت‌های شخصیتی	
angry	عصبانی
calm	آرام، خونسرد
careful	دقیق، با احتیاط
cruel	ظالم، بی‌رحم
dedicated	فداکار، متعهد
distinguished	برجسته، ممتاز
friendly	صمیمی
generous	دست و دل‌باز
helpful	یاری‌رسان، مفید
kind	مهربان
lazy	تنبل
loving	با محبت، صمیمی
polite	مؤدب
proud	مفتخر، سربلند

ترجمه متن کتاب درسی

Hafez is known to be as one of the most famous Persian poets of all time. ⁽¹⁾ He **was born** sometime between the years 1310 and 1337 A.D. in Shiraz. ⁽²⁾ In his childhood, he received religious education. ⁽³⁾ He **is called** Hafez because he learned the Holy Quran by heart. ⁽⁴⁾ Hafez **is mostly remembered** for a special type of poetry that is called Ghazal. ⁽⁵⁾ Emotions and ethics **are used** in Ghazals a lot. ⁽⁶⁾ The collection of his poems **is called** Divan. ⁽⁷⁾ It **has been translated** into countless languages including German, English and French. ⁽⁸⁾ Hafez **is known** to be the inspiration for many poets and authors around the world. ⁽⁹⁾

حافظ به عنوان یکی از معروف‌ترین شاعران ایرانی تمام دوران شناخته شده است. ⁽¹⁾ او (زمانی) بین سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۳۷ بعد از میلاد در شیراز متولد شد. ⁽²⁾ او در دوران کودکی اش، آموزش (مسائل) دینی دید. ⁽³⁾ او حافظ نامیده می‌شود زیرا قرآن کریم را از حفظ یاد گرفت. ⁽⁴⁾ حافظ بیش‌تر به خاطر نوع خاصی از شعر که غزل نامیده می‌شود معروف است. ⁽⁵⁾ احساسات و اخلاق در غزلیات (او) خیلی مورد استفاده قرار می‌گیرند. ⁽⁶⁾ مجموعه شعرهای او دیوان نامیده می‌شود. ⁽⁷⁾ این (دیوان) به زبان‌های بی‌شماری شامل آلمانی، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است. ⁽⁸⁾ حافظ به منبع الهام شاعران و نویسندگان زیادی در سراسر دنیا معروف است. ⁽⁹⁾

درسنامه

جمله مجهول "Passive Voice"

* جمله‌ای است که معمولاً یا فاعل آن «نامشخص» است یا در آن «مفعول» به «فاعل» ارجحیت دارد. فقط جمله‌هایی را می‌توان به صورت «مجهول» بیان کرد که دارای فعل متعدی و در نتیجه دارای «مفعول» باشند.

از جمله‌های مجهول در موارد زیر استفاده می‌کنیم:

۱- «عمل انجام شده» مهم‌تر از «انجام دهنده عمل» یعنی «فاعل» است.

⇒ Two people **were killed** in the accident.

«دو نفر در تصادف کشته شدند.»

درسنامه

۲- فاعل جمله، «ناشناخته و مجهول» است یا برای ما «مهم نیست». «اتومبیل من دزدیده شد.»

⇒ My car was stolen.

۳- فاعل جمله «بیش از حد طولانی» است.

⇒ I was surprised by how well the students did in the test.

«من از این که دانش آموزان این قدر خوب در امتحان عمل کردند متعجب شدم.»

۴- بنا به شرایط، بیان جمله مجهول «مؤدبانه تر» است.

«اشتباهی رخ داد.» (به جای این که بگوییم «شما اشتباه کردید.»)

⇒ A mistake was made.

ساختار جمله های مجهول: در همه جمله های مجهول یک فعل «to be» (یعنی am, is, are, was, were, be, been, being همراه قسمت سوم فعل) وجود دارد.

قسمت سوم فعل + to be

* به ساختار جمله های معلوم و مجهول در مثال های زیر دقت کنید:

زمان	جمله معلوم	جمله مجهول
حال ساده	I write the letter. «من نامه را نوشته ام.»	The letter is written (by me). «نامه (توسط من) نوشته می شود.»
حال استمراری	I am writing the letter. «من دارم نامه را می نویسم.»	The letter is being written (by me). «نامه دارد (توسط من) نوشته می شود.»
گذشته ساده	I wrote the letter. «من نامه را نوشتم.»	The letter was written (by me). «نامه (توسط من) نوشته شد.»
گذشته استمراری	I was writing the letter. «من داشتم نامه را می نوشتم.»	The letter was being written (by me). «نامه داشت (توسط من) نوشته می شد.»
حال کامل (ماضی نقلی)	I have written the letter. «من نامه را نوشته ام.»	The letter has been written (by me). «نامه (توسط من) نوشته شده است.»
گذشته کامل (ماضی بعید)	I had written the letter. «من نامه را نوشته بودم.»	The letter had been written (by me). «نامه (توسط من) نوشته شده بود.»
آینده ساده (will)	I will write the letter. «من نامه را خواهم نوشت.»	The letter will be written (by me). «نامه (توسط من) نوشته خواهد شد.»
آینده ساده (be going to)	I am going to write the letter. «من قرار است نامه را بنویسم.»	The letter is going to be written (by me). «قرار است نامه (توسط من) نوشته شود.»
جمله شامل (have / has to)	I have to write the letter. «من مجبورم (باید) نامه را بنویسم.»	The letter has to be written (by me). «نامه باید (توسط من) نوشته شود.»
جمله دارای فعل وجهی (can / may / ...)	I can / should write the letter. «من می توانم / باید نامه را بنویسم.»	The letter can / should be written (by me). «نامه می تواند / باید (توسط من) نوشته شود.»

همان طور که می بینید می توان فاعل جمله را به صورت «ضمیر مفعولی» بعد از حرف اضافه «by» در انتهای جمله به کار برد.

درسنامه

نکته طلایی

اگر جمله‌ای دو مفعول داشته باشد می‌توان آن را در حالت «مجهول» به دو صورت بیان کرد:

- ⇒ جمله معلوم: Rita wrote a letter to me. «ریتا به من نامه‌ای نوشت.»
 ⇒ جمله مجهول ۱: A letter was written to me (by Rita). «یک نامه (توسط ریتا) به من نوشته شد.»
 ⇒ جمله مجهول ۲: I was written a letter (by Rita). «برای من نامه‌ای (توسط ریتا) نوشته شد.»

طریقه تبدیل یک جمله معلوم به جمله مجهول

به مثال زیر دقت کنید:

- ⇒ جمله معلوم: That man sells old cars here. «آن مرد در این جا اتومبیل‌های قدیمی می‌فروشد.»
 ⇒ جمله مجهول: Old cars are sold here. «اتومبیل‌های قدیمی در این جا فروخته می‌شوند.»
- ۱- فاعل را حذف می‌کنیم.
 ۲- مفعول را به اول جمله می‌آوریم. (ضمیر مفعولی باید به ضمیر فاعلی تبدیل شود).
 ۳- با توجه به زمان جمله، از فعل «to be» استفاده می‌کنیم.
 ۴- قسمت سوم فعل اصلی را می‌نویسیم.

به مثال‌های زیر دقت کنید:

- ⇒ جمله معلوم: A young man stole my money in the park yesterday. «یک مرد جوان دیروز در پارک پول من را دزدید.»
 ⇒ جمله مجهول: My money was stolen in the park yesterday. «پول من دیروز در پارک دزدیده شد.»
- ⇒ جمله معلوم: They have seen me in the library. «آنها من را در کتابخانه دیده‌اند.»
 ⇒ جمله مجهول: I have been seen in the library. «من در کتابخانه دیده شده‌ام.»

نکته

از آن جایی که تقریباً در تمام جمله‌های مجهول «فعل کمکی» وجود دارد، برای سؤالی کردن جمله‌های مجهول فقط کافی است که اولین «فعل کمکی» را به اول جمله بیاوریم و برای منفی کردن جمله‌های مجهول، بعد از اولین «فعل کمکی»، قید منفی «not» را اضافه کنیم.

مثال:

- ⇒ The doors are closed at 7:00. «درها ساعت ۷ بسته می‌شوند.»
 Are the doors closed at 7:00? «آیا درها ساعت ۷ بسته می‌شوند؟»
 The doors are not closed at 7:00. «درها ساعت ۷ بسته نمی‌شوند.»
- ⇒ Many books have been sold. «تعداد زیادی کتاب فروخته شده‌اند.»
 Have many books been sold? «آیا تعداد زیادی کتاب فروخته شده‌اند؟»
 Many books have not been sold. «تعداد زیادی کتاب فروخته نشده‌اند.»

درسنامه

تمرین

شکل درست فعل‌های داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.

1. Somebody their children next week. (look after)
2. Spanish in many countries. (speak)
3. The cows recently. (feed)
4. My neighbor me to dinner last Monday. (invite)
5. When I arrived, the hotel room (clean)

پاسخ

۱- "is going to look after / will look after"

«هفته آینده یک نفر از فرزندان آن‌ها مراقبت خواهد کرد.»

توضیح: برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید بپرسیم آیا «Somebody» (یک نفر) می‌تواند فعل جمله یعنی «look after» (مراقبت کردن) را انجام دهد یا خیر. پس می‌پرسیم: یک شخص «مراقبت می‌کند» یا «مراقبت می‌شود»؟ مشخص است که یک شخص هم می‌تواند «مراقبت کند» و هم «مراقبت شود». در این جمله چون «مفعول» یعنی «their children» (فرزندان آن‌ها) وجود دارد، پس این جمله، «معلوم» است و آن «یک شخص» «فاعل» جمله است. حالا به سراغ «زمان» جمله می‌رویم. عبارت «next week» (هفته آینده) یکی از نشانه‌های زمان «آینده ساده» است، پس باید شکل معلوم فعل را در زمان آینده بنویسیم.

۲- "is spoken"

«در بسیاری از کشورها به زبان اسپانیایی صحبت می‌شود.»

توضیح: برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید بپرسیم آیا «Spanish» (زبان اسپانیایی) می‌تواند فعل جمله یعنی «speak» (صحبت کردن) را انجام دهد یا خیر. پس می‌پرسیم: زبان اسپانیایی «صحبت می‌کند» یا «صحبت می‌شود»؟ مشخص است که به «زبان اسپانیایی» صحبت می‌شود. پس این جمله، «مجهول» است و فاعل جمله یعنی این‌که «چه کسی» به زبان اسپانیایی صحبت می‌کند مطرح نیست. حال چون جمله، «مجهول» است، فعل جمله باید شکلی از «to be» به همراه «قسمت سوم فعل» را داشته باشد. حالا به سراغ زمان جمله می‌رویم: برای بیان «حقیق» از زمان «حال ساده» استفاده می‌شود و از آن جایی که «Spanish» سوم شخص مفرد است باید از «is» همراه قسمت سوم فعل «speak» استفاده کنیم.

۳- "have been fed"

«گاوها اخیراً غذا داده شده‌اند.»

توضیح: برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید بپرسیم آیا «The cows» (گاوها) می‌تواند فعل جمله یعنی «feed» (غذا دادن) را انجام دهد یا خیر. پس می‌پرسیم: گاوها «غذا می‌دهند» یا «غذا داده می‌شوند»؟ مشخص است که به گاوها «غذا داده می‌شود». پس این جمله، مجهول است و فاعل جمله مطرح نیست. حالا به سراغ «زمان» جمله می‌رویم. کلمه «recently» (اخیراً) یکی از نشانه‌های زمان «حال کامل» (ماضی نقلی) است، پس باید از «have been» به همراه شکل سوم «feed» استفاده کنیم.

۴- "invited"

«دوشنبه گذشته همسایه‌ام من را به شام دعوت کرد.»

توضیح: برای پاسخ به این سؤال ابتدا به جمله دقت می‌کنیم و می‌بینیم جمله دارای مفعول یعنی «me» است، پس «My neighbor» فاعل جمله است و در نتیجه این جمله یک جمله «معلوم» است چون فاعل دارد. حالا به سراغ زمان جمله می‌رویم: عبارت «last Monday» یکی از نشانه‌های «زمان گذشته ساده» است و باید فعل جمله «ed» بگیرد.

۵- "was being cleaned"

«وقتی من رسیدم، اتاق هتل داشت تمیز می‌شد.»

توضیح: برای پاسخ به این سؤال مانند توضیحات قبلی متوجه می‌شویم «hotel» (هتل) «تمیز می‌شود»، پس جمله، مجهول است. حالا به سراغ «زمان» جمله می‌رویم. هنگامی که دو جمله با کلمه ربط «when» به هم مرتبط می‌شوند یکی از آن‌ها «گذشته ساده» (در این جا arrived) است و دیگری «گذشته استمراری» است، در نتیجه باید فعل «clean» را به صورت مجهول و به زمان «گذشته استمراری» بنویسیم، در نتیجه پاسخ درست «was being cleaned» است.

درسنامه

پاسخ درست را انتخاب کنید. ۱

This hospital many years ago.

- 1) built 2) was built 3) was building 4) have built

«این بیمارستان سال‌ها قبل ساخته شد.»

پاسخ: برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید بپرسیم آیا «hospital» (بیمارستان) می‌تواند فعل جمله یعنی «build» (ساختن) را انجام دهد یا خیر. پس می‌پرسیم: بیمارستان «می‌سازد» یا «ساخته می‌شود»؟ مشخص است که بیمارستان «ساخته می‌شود»، پس این جمله، مجهول است چون فاعل جمله یعنی «سازنده بیمارستان» مطرح نیست. حال چون جمله، «مجهول» است، فعل جمله باید شکلی از «to be» به همراه «قسمت سوم فعل» را داشته باشد، در نتیجه فقط گزینه (۲) پاسخ درست است.

پاسخ درست را انتخاب کنید. ۲

Our car for a long time.

- 1) didn't wash 2) wasn't being washed 3) hasn't been washed 4) hasn't washed

«اتومبیل ما برای مدتی طولانی شسته نشده است.»

پاسخ: برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید بپرسیم آیا «Our car» (اتومبیل ما) می‌تواند فعل جمله یعنی «wash» (شستن) را انجام دهد یا خیر. پس می‌پرسیم: اتومبیل ما «می‌شوید» یا «شسته می‌شود»؟ مشخص است که اتومبیل ما «شسته می‌شود»، پس این جمله، مجهول است چون فاعل جمله یعنی «شوینده اتومبیل» در این جا مشخص نیست. چون جمله، «مجهول» است، فعل جمله باید شکلی از «to be» به همراه «قسمت سوم فعل» را داشته باشد، در نتیجه گزینه‌های (۱) و (۴) نمی‌توانند پاسخ درست باشند. حالا به سراغ «زمان جمله» می‌رویم. کلمه «for» از نشانه‌های زمان «حال کامل» (ماضی نقلی) است، پس گزینه (۳) درست است.

پاسخ درست را انتخاب کنید. ۳

My father a new Chinese car since 2010.

- 1) hasn't bought 2) didn't buy 3) wasn't bought 4) wasn't being bought

«پدر من از سال ۲۰۱۰ اتومبیل چینی جدید خریده است.»

پاسخ: برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید بپرسیم آیا «My father» (پدر من) می‌تواند فعل جمله یعنی «buy» (خریدن) را انجام دهد یا خیر. پس می‌پرسیم: پدر من «می‌خرد» یا «خریده می‌شود»؟ مشخص است که پدر من چیزی را «می‌خرد»، پس این جمله، «معلوم» است چون فاعل جمله یعنی «خریدار اتومبیل» مشخص است. از آنجایی که جمله «معلوم» است، فعل جمله نمی‌تواند شکلی از «to be» به همراه «قسمت سوم فعل» را داشته باشد، در نتیجه گزینه‌های (۳) و (۴) حذف می‌شوند. حالا به سراغ «زمان» جمله می‌رویم. کلمه «since» (از ... تا حالا) یکی از نشانه‌های زمان «حال کامل» (ماضی نقلی) است، پس گزینه (۱) پاسخ درست است.

See Also

سؤال‌های کوتاه "Tag Questions"

سؤال‌های کوتاه (Tag Questions) سؤال‌هایی دو کلمه‌ای (شامل یک فعل کمکی و یک ضمیر فاعلی) هستند که معمولاً در مکالمه‌های شفاهی در انتهای یک جمله خبری می‌آیند و آن جمله خبری را به یک جمله سؤالی تبدیل می‌کنند.

با این کار معمولاً به دنبال دو هدف هستیم:

(۱) بررسی می‌کنیم که چیزی درست است و حقیقت دارد. در این جا ما در مورد پاسخ سؤال مطمئن نیستیم و در اصل سؤال را می‌پرسیم تا پاسخ بگیریم (در این صورت آهنگ آن rising است).

(مطمئن نیستیم که این شخص آمریکایی است یا خیر = rising)
You are American, aren't you?

درسنامه

(۲) از طرف مقابل می‌خواهیم گفته‌ها را تأیید کند، در این جا ما پاسخ سؤال را می‌دانیم و فقط تأیید طرف مقابل را می‌خواهیم (در این صورت آهنگ آن falling است).

You are American, aren't you? (falling = تقریباً مطمئن هستیم این شخص آمریکایی است)

- ⇒ You are from China, aren't you? «شما اهل چین هستید، این طور نیست؟»
- ⇒ Mary can't come, can she? «مری نمی‌تواند بیاید، این طور نیست؟»
- ⇒ They like pizza, don't they? «آنها پیتزا دوست دارند، این طور نیست؟»

برای ساختن «Tag Question» قوانین ساده‌ای وجود دارد که به صورت زیر هستند:

- (۱) اگر جمله اصلی مثبت باشد، «Tag Question» منفی است و بالعکس.
 - ⇒ He is at home, isn't he? «او در خانه است، این طور نیست؟»
 - ⇒ We shouldn't go there, should we? «ما نباید به آن جا برویم، این طور نیست؟»
- (۲) فاعل «Tag Question» همیشه باید به صورت «ضمیر فاعلی» باشد.
 - ⇒ John wants to study medicine, doesn't he? «جان می‌خواهد پزشکی بخواند، این طور نیست؟»
 - ⇒ The children haven't broken the chair, have they? «بچه‌ها صندلی را نشکسته‌اند، این طور نیست؟»

نکته طلایی برای «somebody, nobody, anybody, ...» از ضمیر فاعلی «they» استفاده کنید.

- Somebody called, didn't they? «شخصی تماس گرفت، این طور نیست؟»
- Nobody knows, do they? «هیچ‌کس نمی‌داند، این طور نیست؟»

(۳) اگر «Tag Question» منفی باشد، حتماً باید به صورت مخفف بیان شود.

- ⇒ Your father was angry, wasn't he? «پدر تو عصبانی بود، این طور نیست؟»
- ⇒ English is spoken in Canada, isn't it? «در کانادا به انگلیسی تکلم می‌شود، این طور نیست؟»

(۴) این نوع سؤال‌های کوتاه معمولاً به فاعل و فعل جمله اصلی (پایه) برمی‌گردند.

They say she might be getting nervous, don't they?

جمله پایه جمله وابسته

«آنها می‌گویند او ممکن است عصبی شود، این طور نیست؟»

توضیح: در این جمله فاعل و فعل جمله اصلی «They» و «say» هستند، نه «she» و «might».

تبصره: اگر در چنین جمله‌هایی جمله پایه با فاعل «I» شروع شود، برای «Tag Question» از «فاعل» و «فعل» جمله وابسته استفاده می‌کنیم.

I believe he will come, won't he?

جمله وابسته جمله پایه

«من معتقد هستم او خواهد آمد، این طور نیست؟»

- (۵) در «Tag Question» به جای «this» و «that» از ضمیر «it» و به جای «these» و «those» از ضمیر «they» استفاده می‌کنیم.
 - ⇒ This is your car, isn't it? «این اتومبیل شما است، این طور نیست؟»
 - ⇒ These are expensive, aren't they? «این‌ها گران هستند، این طور نیست؟»
- (۶) اگر جمله‌ای با «There» شروع شود، در «Tag Question» آن، به جای «there» نمی‌توان ضمیر فاعلی جایگزین کرد و باید از خود «there» استفاده کرد.
 - ⇒ There isn't any bread in the basket, is there? «هیچ نانی در سبد نیست، این طور نیست؟»

نکته طلایی موارد زیر را می‌توان به عنوان استثناء به خاطر سپرد:

- (۱) اگر جمله‌ای با «I am» شروع شود، «Tag Question» آن به صورت «aren't I?» است.
 - ⇒ I am talking to you, aren't I? «من دارم با تو صحبت می‌کنم، این طور نیست؟»
- (۲) برای جمله‌های امری، می‌توان از «will you?» هم برای جمله‌های مثبت و هم برای جمله‌های منفی استفاده کرد.
 - ⇒ Open the window, will you? «پنجره را باز کن، باز می‌کنی؟»
 - ⇒ Don't open your books, will you? «کتاب‌هایتان را باز نکنید، ممکنه؟»

درسنامه

- ۳) اگر جمله امری شما یک «خواهش مؤدبانه» باشد باید از «won't you?» استفاده کنید.
 ⇒ Open the window, **won't you?** «پنجره را باز کنید، ممکن است لطفاً؟»
- ۴) برای جمله‌هایی که با «Let's» شروع می‌شوند، «Tag Question» همیشه به صورت «shall we?» است.
 ⇒ Let's go home now, **shall we?** «بیایید الان به خانه برویم، می‌آیید؟»
- ۵) اگر در جمله‌ای مثبت کلمه‌هایی مثل «never, rarely, hardly, little, few, nothing, ...» وجود داشته باشند که «بار منفی» دارند، آن جمله را منفی تلقی می‌کنیم و «Tag Question» را «مثبت» بیان می‌کنیم.
 ⇒ They **never** go abroad, **do** they? «آن‌ها هرگز به خارج نمی‌روند، این طور نیست؟»
 ⇒ There's **little** money in the bag, **is** there? «مقدار خیلی کمی پول در کیف است، این طور نیست؟»
 ⇒ You have **few** foreign friends, **do** you? «تو دوستان خارجی خیلی کمی داری، این طور نیست؟»

تست ۴ پاسخ درست را انتخاب کنید.
 The man is going to hunt the lion,?
 1) isn't he 2) isn't it 3) is he 4) does he
 آن مرد قصد دارد آن شیر را شکار کند، این طور نیست؟
پاسخ: فاعل جمله «The man» است که باید به جای آن «he» را قرار بدهیم، فعل کمکی جمله نیز «is» است. پس یا گزینه (۱) درست است یا گزینه (۳). از طرفی چون جمله اصلی «مثبت» است، پس سؤال کوتاه آن باید منفی باشد، در نتیجه گزینه (۱) پاسخ درست است.

تست ۵ پاسخ درست را انتخاب کنید.
 Respect your parents,?
 1) will you 2) do you 3) are you 4) did you
 به والدین‌تان احترام بگذارید، خوب؟
پاسخ: برای جمله‌های امری، باید از «will you?» یا «would you?» استفاده کرد، فرق نمی‌کند جمله مثبت باشد یا منفی. پس گزینه (۱) پاسخ درست است.

تست ۶ پاسخ درست را انتخاب کنید.
 I guess we've seen them many times here,?
 1) don't I 2) don't you 3) haven't you 4) haven't we
 من حدس می‌زنم ما آن‌ها را تعداد دفعات زیادی در این‌جا دیده‌ایم، این طور نیست؟
پاسخ: دقت کنید که «We've» شکل کوتاه‌شده «We have» است و جمله به زمان «حال کامل» بیان شده است، پس فعل کمکی مورد نیاز «have» است که باید در پاسخ به شکل منفی به کار برود. پس یکی از گزینه‌های (۳) یا (۴) درست هستند. گزینه (۳) نمی‌تواند درست باشد، زیرا در «Tag Question» فاعل‌ها تغییری نمی‌کنند و نباید «I» یا «we» را به «you» تبدیل کرد. پس تنها گزینه درست، گزینه (۴) است. (یادآوری: چون جمله پایه با فاعل «I» شروع شده است، از «فاعل» و «فعل» جمله وابسته استفاده می‌کنیم.)

تست ۷ پاسخ درست را انتخاب کنید.
 We have a new classmate,?
 1) don't we 2) don't you 3) haven't you 4) haven't we
 ما یک همکلاسی جدید داریم، این طور نیست؟
پاسخ: در این جمله «have» به معنی «داشتن» است و «فعل اصلی» جمله است، پس باید برای ساختن سؤال کوتاه از «do» استفاده کنیم و از آن جایی که جمله اصلی «مثبت» است، سؤال کوتاه باید «منفی» باشد، در نتیجه فقط گزینه (۱) درست است.

Writing

جمله‌های مرکب "Compound Sentences"

قبلاً بیان شد که یک جمله انگلیسی باید حداقل دارای یک فاعل و یک فعل باشد. این‌گونه جمله‌ها را «جمله‌های ساده» (Simple sentences) می‌نامیم. حال اگر دو جمله ساده که هر کدام حداقل دارای یک فاعل و یک فعل می‌باشند را با کلمه‌های ربط (Conjunctions) مانند «and» (و)، «but» (اما)، «or» (یا) و «so» (بنابراین) به هم مرتبط کنیم، یک جمله مرکب (Compound sentence) تشکیل می‌شود. به توضیحات و مثال‌های زیر دقت کنید:

(۱) کلمه ربط «and»: از این کلمه ربط برای اضافه کردن اطلاعاتی هم جهت با اطلاعات قبلی استفاده می‌کنیم.

Simple sentences	Compound sentence
Sina gets up early. «سینا زود بیدار می‌شود.»	Sina gets up early, and he goes to school. «سینا زود بیدار می‌شود و او به مدرسه می‌رود.»
Sina goes to school. «سینا به مدرسه می‌رود.»	

(۲) کلمه ربط «but»: از این کلمه ربط هنگامی استفاده می‌کنیم که بخواهیم اطلاعاتی را در تضاد با اطلاعات قبلی بیان کنیم.

Simple sentences	Compound sentence
Sina is a good boy. «سینا پسر خوبی است.»	Sina is a good boy, but he is a bit lazy. «سینا پسر خوبی است اما او کمی تنبل است.»
Sina is a bit lazy. «سینا کمی تنبل است.»	

(۳) کلمه ربط «so»: از این کلمه هنگامی استفاده می‌کنیم که جمله دوم «نتیجه» جمله اول باشد.

Simple sentences	Compound sentence
Sina got up late. «سینا دیر بیدار شد.»	Sina got up late, so he missed the class. «سینا دیر بیدار شد بنابراین او کلاس را از دست داد.»
Sina missed the class. «سینا کلاس را از دست داد.»	

(۴) کلمه ربط «or»: این کلمه ربط معمولاً «انتخاب» بین دو چیز را بیان می‌کند.

Simple sentences	Compound sentence
Sina can stay home. «سینا می‌تواند در خانه بماند.»	Sina can stay at home, or he can go to school. «سینا می‌تواند در خانه بماند یا او می‌تواند به مدرسه برود.»
Sina can go to school. «سینا می‌تواند به مدرسه برود.»	

درسنامه

نکته طلایی

در زبان انگلیسی هفت کلمه ربط وجود دارند که دو جمله ساده را به هم مرتبط می‌کنند و یک جمله مرکب می‌سازند. این هفت کلمه عبارتند از:

for, and, nor, but, or, yet, so ⇒ **fanboys**

و هنگامی که از آن‌ها استفاده می‌کنیم، قبل از آن‌ها از کاما «،» استفاده می‌شود.

⇒ Mary wishes she could be younger, **for** everyone else in the class is half her age.

«مری آرزو می‌کند می‌توانست جوان‌تر باشد، زیرا هر کس دیگری در کلاس نصف سن او را دارد.»

⇒ Alex likes to fish, **and** he is going fishing on Friday.

«الکس دوست دارد ماهی بگیرد و قصد دارد جمعه به ماهیگیری برود.»

⇒ He didn't return my calls, **nor** did he respond to any of my texts.

«او (نه) به من تلفن زد، نه به پیامک‌های من پاسخ داد.»

⇒ We've invited her, **but** she may decide not to come.

«ما او را دعوت کرده‌ایم اما او ممکن است تصمیم بگیرد نیاید.»

⇒ She is going to the store, **or** she is going to the mall.

«او (یا) دارد به فروشگاه می‌رود یا دارد به مرکز خرید می‌رود.»

⇒ I am very smart, **yet** I do not enjoy school.

«من خیلی زرنگ هستم، با این وجود از مدرسه لذت نمی‌برم.»

⇒ I am feeling hungry, **so** I make myself a sandwich.

«من احساس گرسنگی می‌کنم پس برای خودم ساندویچ درست می‌کنم.»

نکته

با توجه به نکات بالا دقت کنید که جمله زیر یک جمله مرکب نیست بلکه یک جمله ساده است:

⇒ Alice **and** his friend played in the yard **and** read in the house.

«آلیس و دوستش در حیاط بازی کردند و در خانه (کتاب) خواندند.»

تست ۸

پاسخ درست را انتخاب کنید.

I want to help you, I'm very busy.

1) and

2) or

3) but

4) so

«من می‌خواهم به تو کمک کنم اما خیلی سرم شلوغ است.»

پاسخ

در این جمله مرکب با توجه به معنی جمله، جمله دوم در تضاد با جمله اول است پس باید از کلمه ربط «but» استفاده کنیم، در نتیجه گزینه (۳) پاسخ درست است.

تست ۹

پاسخ درست را انتخاب کنید.

My friends and I should be quiet, we should leave the class.

1) so

2) or

3) and

4) but

«من و دوستانم باید ساکت باشیم یا (وگرنه) باید کلاس را ترک کنیم.»

پاسخ

در این جمله مرکب با توجه به معنی جمله، باید یک «انتخاب» انجام شود، در نتیجه باید از کلمه ربط «or» استفاده کنیم، پس فقط گزینه (۲) درست است.

Questions

۱

سوالات امتحانی درس

Lesson 1

PART 1

(Pages 15 - 20)

Title Page - Get Ready - Conversation

۱۱۴

واژگان

VOCABULARY

۱. هر تصویر را با جمله مربوط به آن جور کنید.

- ① My cousin has caught a terrible flu. ()
 ② He went home to take care of his elderly grandparent. ()
 ③ My friend is taking care of the neighbor's children. ()
 ④ We can always help people by donation. ()



A



B



C



D

۲. در هر ردیف، کلمه ناهماهنگ را مشخص کنید.

- ⑤ care for – respect – destroy – protect
 ⑥ distinguished – brilliant – dedicated – lazy
 ⑦ polite – loving – kind – cruel
 ⑧ lower – increase – develop – improve

۳. کلمه‌های مرتبط در ستون A و B را با هم جور کنید و یک عبارت معنی‌دار بسازید.

A

- ⑨ university ()
 ⑩ medical ()
 ⑪ lower ()
 ⑫ receive ()
 ⑬ spare ()
 ⑭ close ()

B

- ① center
 ② a diploma
 ③ friends
 ④ blood pressure
 ⑤ professor
 ⑥ no pains

۴. پاسخ درست را انتخاب کنید.

- ⑮ I would like to express my and thanks to you all.
 ① appreciation ② disease ③ textbook ④ medicine
 ⑯ Each chooses his own way to spend their free time.
 ① function ② memory ③ pressure ④ teenager
 ⑰ I'm not quite sure what my is within the company.
 ① sense ② temperature ③ homeland ④ function
 ⑱ You should always talk to a if you develop a high fever.
 ① photograph ② physician ③ grandchild ④ strength
 ⑲ I can you as my brother, but you must do whatever I tell you.
 ① regard ② boost ③ catch ④ donate

۵. هر جمله را با یک کلمه مناسب از کلمه‌های داخل کادر کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

might – pity – founded – born – boost – close

- 20 He wasn't strong enough to his own confidence.
 21 My uncle the company 20 years ago.
 22 He get there in time, but I can't be sure.
 23 They were filled with joy when their first child was
 24 My best friend and her father are very

۶. هر کلمه را با تعریف آن جور کنید.

- | | |
|------------------|--|
| 25 found () | a to have a good opinion of someone or something |
| 26 respect () | b a doctor, especially one who is a specialist in general medicine |
| 27 dedicated () | c to think about somebody/something in a particular way |
| 28 physician () | d working hard at something because it is very important to you |
| 29 regard () | e to start something, such as an organization or an institution |

۷. با توجه به جمله‌های داده شده، جدول زیر را حل کنید.

- 30 Dr. Gharib spared no to cure sick children.
 31 Family members should listen to each
 32 He was not sure. He said he come tomorrow.
 33 Dogs have a very good of smell.

30	P				
31	O				
32	M				
33	S				

۸. جمله‌های ناقص ستون A را با عبارت‌های مناسب از ستون B کامل کنید (در ستون B یک عبارت اضافه است).

- | A | B |
|--|--|
| 34 After receiving my diploma, () | a children's diseases was written by Dr. Gharib |
| 35 My little sister has been () | b regarded as a dedicated physician |
| 36 That kind doctor was () | c that helping others lowers your blood pressure |
| 37 The first Persian textbook on () | d to thousands of students |
| 38 It might be interesting to know () | e in a modern medical center for a week |
| | f I went abroad to study medicine |

۹. در هر جمله، متضاد کلمه مشخص شده را بنویسید.

- 39 You make your own breakfast! Don't be so lazy! (≠)
 40 The employees were very polite and helpful. (≠)
 41 Do you think we should lower the price? (≠)

۱۰. جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

- 42 This boy is my daughter's son. I mean he's my
 43 I have a fever. The nurse is my temperature now.
 44 Bill Gates Microsoft, with Paul Allen many years ago.
 45 Alex was in a small village in northern Spain on December 15th, 1973.

Lesson 1

PART 2

(Pages 21 - 23)

New Words & Expressions

VOCABULARY



۱۱. هر تصویر را با جمله مربوط به آن جور کنید.

- 46 My cousin got sad and suddenly burst into tears. ()
 47 You have to speak up! I am hard of hearing. ()
 48 I go to the park every morning and feed the pigeons. ()
 49 These two people are shouting at each other. ()
 50 I started keeping a diary when I was thirteen. ()
 51 The man went to his son and hugged him. ()



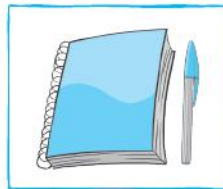
A



B



C



D



E



F

۱۲. در هر ردیف کلمه ناهماهنگ را مشخص کنید.

- 52 score – sofa – mark – grade
 53 diary – textbook – notebook – forgive

۱۳. کلمه‌های مرتبط در ستون A و B را با هم جور کنید و یک عبارت معنی‌دار بسازید.

A

- 54 forgive ()
 55 keep ()
 56 burst ()
 57 feed ()

B

- a a diary
 b into tears
 c somebody
 d the pigeons

۱۴. پاسخ درست را انتخاب کنید.

- 58 She in her diary that she saw an old friend.
 ① shouted ② recorded ③ happened ④ hugged
- 59 I put a of fresh flowers on the table in the kitchen.
 ① vase ② sofa ③ diary ④ score
- 60 The child sat on his mother's and listened to the story.
 ① tear ② pain ③ wall ④ lap
- 61 He walked into the shop and took some bread and left.
 ① orally ② kindly ③ calmly ④ hopefully

۱۵. هر جمله را با یک کلمه مناسب از کلمه‌های داخل کادر کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

scores – repeatedly – louder – recorded – sofa – born – forgive – cry

- 62 As a teacher, I can't that type of behavior.
 63 He was in a small village on December 15th, 1975.
 64 The man asked the police about the report.
 65 The time of the accident was as 6:23 p.m.
 66 Please speak I can't hear well.
 67 The school's test have not improved.
 68 On the table in front of the was a vase full of pink roses.

۱۶. هر کلمه را با تعریف آن جور کنید.

- | | |
|----------------|--|
| 69 forgive () | a a gray bird that you often see in cities |
| 70 diary () | b a long comfortable seat with a back and arms, for more than one person |
| 71 pigeon () | c to say something in a loud voice |
| 72 sofa () | d to stop feeling angry with somebody for a bad thing that they did |
| 73 shout () | e a book where you write what you have done each day |

۱۷. جمله‌های ناقص ستون A را با عبارت‌های مناسب از ستون B کامل کنید (در ستون B یک عبارت اضافه است).

- | A | B |
|---|--------------------------------------|
| 74 He was shouting at me () | a told him not to work so hard |
| 75 My little sister was sitting () | b on my mom's lap, looking at guests |
| 76 Alan's doctor has repeatedly () | c she burst into tears |
| 77 When she heard the news () | d your thoughts or feelings |
| | e because I got home late |

۱۸. جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

- 78 My grandfather is not deaf. He's actually of hearing.
 79 The news was so shocking that she into tears as soon as she heard it.
 80 A: When and where were you ? B: In London, on July 1st, 1982.
 81 When you put your arms around somebody to show that you like them, you them.

Lesson 1

PART 3

(Pages 24 - 28)

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development

VOCABULARY



۱۹. در هر ردیف، کلمه ناهماهنگ را مشخص کنید.

- 82 answer – question – reply – bring
 83 what – when – while – how
 84 spring – newspaper – textbook – diary

۲۰. کلمه‌های مرتبط در ستون A و B را با هم جور کنید و یک عبارت معنی‌دار بسازید.

- A**
- 85 spring ()
 - 86 read ()
 - 87 hug ()
 - 88 feel ()
 - 89 care for ()
 - 90 say ()

- B**
- a aloud
 - b somebody
 - c happy
 - d morning
 - e repeatedly
 - f the elderly

۲۱. پاسخ درست را انتخاب کنید.

- 91 I used to a secret diary when I was a teenager.
 ① respect ② work ③ keep ④ forgive
- 92 The speaker and then kept on talking again.
 ① replied ② paused ③ heard ④ recorded
- 93 When he behaved like that, we started to laugh
 ① aloud ② above ③ enough ④ else
- 94 Do people in Britain when they meet?
 ① pause ② burst ③ feel ④ kiss
- 95 She was often ill, and Jack spared no to make her well again.
 ① sofas ② scores ③ pains ④ vases

۲۲. هر جمله را با یک کلمه مناسب از کلمه‌های داخل کادر کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

feed – shouted – while – paused – cared – once – strong – hearing

- 96 The man at boys to keep off the grass.
- 97 There were winds from the north yesterday.
- 98 Everyone knew at how serious the problem was.
- 99 The patient thanked the nurses who had for him.
- 100 He was very angry, and it took him a little to calm down.
- 101 Please your little sister and make sure she's in bed by nine.
- 102 Kim was reading her e-mail, but she and looked up when I came in.

۲۳. هر کلمه را با تعریف آن جور کنید.

- 103 pause () a to say or write something as an answer to somebody
- 104 reply () b the measurement of how hot somebody's body is
- 105 newspaper () c to stop talking and doing something for a short time
- 106 temperature () d a drop of water that comes from your eye when you cry
- 107 tear () e large pieces of paper with news and other things printed on them

۲۹. در هر ردیف، کلمه ناهم‌هنگ را مشخص کنید.

127 washing machine – dishwasher – microwave oven – grandchildren

128 ordinary – strange – usual – normal

129 poet – writer – author – value

۳۰. کلمه‌های مرتبط در ستون A و B را با هم جور کنید و یک عبارت معنی‌دار بسازید.

A

130 learn ()

131 find ()

132 make ()

133 future ()

134 health ()

135 religious ()

B

a pancakes

b generations

c condition

d by heart

e education

f solutions

۳۱. هر جمله را با یک کلمه مناسب از کلمه‌های داخل کادر کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

inspiration – including – childhood – principles – paused – willing – elders

136 Anita for a moment, then said: 'All right'.

137 He lived in the same house throughout his

138 I've got three days' holiday New Year's Day.

139 Where did you get the for the book?

140 Children have no respect for their nowadays.

141 They keep a list of people who are to work nights.

۳۲. هر کلمه را با تعریف آن جور کنید.

142 discover ()

143 tool ()

144 generation ()

145 peaceful ()

146 moral ()

a ideas about what is right and wrong

b quiet and calm; not worried or disturbed; with no fighting

c all the people who were born at about the same time

d to find or learn something for the first time

e a thing that you hold in your hand and use to do a special job

۳۳. جمله‌های ناقص ستون A را با عبارت‌های مناسب از ستون B کامل کنید (در ستون B یک عبارت اضافه است).

A

147 Another important thing is ()

148 Parents try to tell us what set of rules ()

149 Some inventions were created ()

150 Hafez is known to be ()

B

a by accident or scientists' mistakes

b as one of the most famous Persian poets

c a special type of poetry

d our heritage and culture

e and guidelines have made them successful

۳۴. مترادف یا متضاد کلمه‌های مشخص شده را از داخل کادر پیدا کنید و جلوی جمله بنویسید.

noisy – limited – hateful – normal

- 151 The house was clean and well kept, but very ordinary.
 152 The toys will bring great joy to countless children.
 153 We spent an enjoyable evening playing computer games.
 154 It is so peaceful out here in the country.

۱۲۱

GRAMMAR



۳۵. پاسخ درست را از بین دو گزینه داخل پرانتز انتخاب کنید.

- 155 The books (have been sent / have sent) to the wrong address.
 156 Our children (were looked after / looked after) when we were away.
 157 In a hospital, patients (are visited / were visited) every afternoon.
 158 I (have not been invited / was not invited) to parties since last April.
 159 Many people (play / are played) football all over the world.
 160 I have never (seen / been seen) these flowers before. What (are they called / do they call)?
 161 We often watch TV in the afternoon, (don't you / don't we)?
 162 Peter played handball yesterday, (wasn't he / didn't he)?
 163 They are going home from school, (are they / aren't they)?
 164 Kevin won't come tonight, (will he / won't he)?
 165 She went to the library yesterday, (wasn't she / didn't she)?
 166 The trip isn't very expensive, (is it / isn't it)?
 167 The children never play games at school, (do they / don't they)?
 168 I am going to make the omelet, (don't I / aren't I)?

۳۶. پاسخ درست را انتخاب کنید.

- 169 Are the books going to the school?
 ① to return ② to be returned ③ return ④ returned
 170 Why weren't all the people to the ceremony?
 ① invite ② be invited ③ invited ④ inviting
 171 Your brother is in Canada, he?
 ① does ② is ③ isn't ④ doesn't
 172 Don't talk to him anymore, ?
 ① will you ② aren't you ③ do you ④ don't you
 173 Teenagers the elder members of the family.
 ① are respected ② respecting ③ has respected ④ respect

۳۷. شکل درست کلمه‌های داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

- 174 These days, we grammar by Ms. Sullivan. (teach)
 175 They Spanish to foreign students at school last year. (not teach)
 176 The injured to hospital by the firemen right now. (take)
 177 This house by John Mathews in 1991. (build)
 178 Many games by Sam and his friends recently. (play)
 179 We left the yard when my mother the pigeons. (feed)
 180 I know that both English and French in Canada. (speak)

۳۸. با توجه به تصویرها، پاسخ کامل (به صورت مجهول) بدهید.



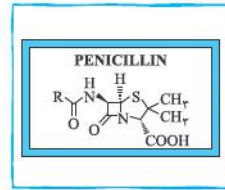
181



182



183



184



185

- 181 What was bought by your father last month?

 182 Where were the children taken during the holidays?

 183 How many bottles of water are going to be drunk?

 184 What was discovered by Alexander Fleming?

 185 What has been done by the little girl?

۳۹. با توجه به عبارت‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، سؤال‌های مناسب بنویسید.

- 186 ?
 Tourists have spent millions of euros recently.
 187 ?
Scientists are working to discover a cure for AIDS.
 188 ?
 She burst into tears because she couldn't find her lost money.
 189 ?
 That distinguished doctor passed away in November, 2006.

190 ?

That interesting story was told by my grandmother.

191 ?

The injured people were taken to hospital by the ambulance.

192 ?

Students are sent to school around 7:00 every morning.

۴۰. در هر جمله یک غلط گرامری وجود دارد، آن را پیدا کنید و درست آن را در جای مشخص شده بنویسید.

193 The sun is bigger than the earth, is it?

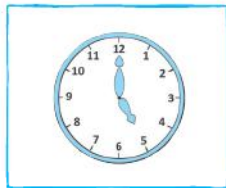
194 Did your drinks brought to you, sir?

195 The English alphabet has 26 letters, hasn't it?

196 We are bought all our vegetables at the market.

197 These textbooks have been published last month.

۴۱. با توجه به تصویرها و با کلمه‌های داده شده یک سؤال بنویسید و سپس به آن پاسخ دهید.



198



199



200



201



202

198 What time / get up? A:

B:

199 Where / live? A:

B:

200 Who / help? A:

B:

201 How many / bottles? A:

B:

202 What / doing? A:

B:

۴۲. هر جمله را با «Tag Question» مناسب کامل کنید.

203 Your classmate Mary is Italian, ?

204 Your parents live in London, ?

205 She says you're working tomorrow, ?

206 It was not cold yesterday, ?

207 I think our brother went to the library, ?

208 We were waiting at the station, ?

209 They've been to Japan, ?

210 My aunt won't come at six, ?

211 Your father said the boys could help us with housework, ?

212 John and his sister mustn't stay here, ?

213 There's some bread in the basket, ?

214 We have little money to spend, ?

215 I am your best friend, ?

۴۳. جمله‌های معلوم زیر را به جمله‌های مجهول تبدیل کنید.

216 We are going to watch a movie tonight.

.....

217 Mom read the novel in one day.

.....

218 The teacher always answers the students' questions.

.....

219 Larry generously donated money to the homeless people.

.....

220 Thousands of tourists are visiting the Grand Canyon this year.

.....

221 Susan was baking some pancakes for the party.

.....

222 The man interviewed me for the job in that room.

.....

CLOZE TEST

متن Cloze



۴۴. متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.

As people get older they change physically and mentally. They become more dependent on others to help them with their daily living (223). In a number of cases, the elderly need someone to look after them. Some elders (224) in nursing homes and long-term care facilities while others are looked after at home by their children or (225). Looking after an elderly person at home is not an easy job. People who look after the elderly at home often have other (226), too. They need to take care of themselves first, but they do not always realize it or do not know how to balance all their responsibilities.

223 ① activities

② failures

③ results

④ exercises

224 ① look after

② looks after

③ are looked after

④ be looked after

225 ① babies

② relatives

③ grandparents

④ temperatures

226 ① pressures

② teenagers

③ homelands

④ responsibilities

COMPREHENSION

I) Sentence Comprehension

۴۵. هر جمله را بخوانید و با توجه به مفهوم آن، گزینه درست را انتخاب کنید.

- 227 Our heritage brings us a sense of identity of our past and the responsibility to protect it for our future generations.

According to the above sentence

- ① our heritage is only useful for future generations
- ② we should pass our heritage to our children
- ③ heritage does not give us a sense of identity

- 228 More interestingly, some tools and technologies are not made by scientists at all. Some like dishwashers and computer games were made by ordinary people like workers.

According to the above sentences

- ① only scientists can invent things
- ② some workers made the dishwasher
- ③ all tools should be made by scientists

II) Reading Comprehension

۴۶. متن زیر را بخوانید و به سؤال‌های آن پاسخ دهید.

The United States has been criticized* for the behavior towards its elderly citizens. Although in many other countries the elderly usually live with their children's family, many older Americans live alone, without the companionship of their children. This situation is sometimes blamed on the "selfishness" of the younger generation, but the closer look shows that many of the elderly prefer to maintain their independent lives.

Research on the situation of the elderly in America has shown that while grandparents are happy to be visited by their children and grandchildren, they prefer to continue living in the surrounding that they are familiar with. This suggests that children should allow their parents to live alone if they wish to, and should encourage them to maintain close ties to the rest of the family.

Another surprising result of the research on the elderly in the United States has been the very positive influence which pets have been found to have on the elderly people that they live with. It has been shown that elderly people who care for small pets, such as cats or dogs, live longer, are healthier, and have better attitudes toward their lives than similar elderly people without these companions.

* انتقاد کردن، سرزنش کردن

الف) با توجه به متن، جمله‌های درست را با TRUE و جمله‌های نادرست را با FALSE مشخص کنید.

- 229 American children don't let their parents live alone. (TRUE / FALSE)
- 230 Having pets will make elderly people healthier. (TRUE / FALSE)

ب) با توجه به متن، پاسخ درست را انتخاب کنید.

- 231 Many elderly Americans live

- ① without satisfaction
- ② by themselves
- ③ with their grandchildren
- ④ a simple life

232 The author advises the young people to

- ① keep close ties to the elderly of their own
- ② respect the wishes of their elderly parents
- ③ allow their elderly relatives to raise some pets
- ④ not to let the elders of their families live by themselves

ج) با توجه به متن، با کلمه پرسشی داده شده یک سؤال بنویسید و به آن پاسخ دهید.

233 What ?

.....



WRITING

۴۷. هر جمله را با یکی از کلمه‌های ربط «and, but, so, or» کامل کنید.

234 He reads magazines, he doesn't like to read books.

235 I like to eat cookies, I like to drink milk.

236 You can come buy groceries with me, you can stay home until I get back.

237 The mistake was already made, there's not much you can do about it now.

238 It was the week before Christmas, the shops were usually full of people.

239 She is always coming late to class, she is the best student.

۴۸. حروف به هم ریخته داخل پرانتزها را مرتب کنید و در جاهای خالی یک کلمه مناسب بنویسید.

240 These historical sites are a part of the cultural (gerithea) of Iran.

241 You've studied this problem for a while. What do you think the (tisoonly) is?

242 The (thorau) of this book was said to be in Italy.

۴۹. در هر ردیف، کلمه‌های به هم ریخته را مرتب کنید و یک جمله درست بنویسید.

243 discovered / many / were / types / medicine / by accident / of /

.....

244 heavy / the traffic / a bit / on / the main road / is / , / so / another one / taking / try /

.....

245 countless / the book / been / into / has / languages / translated /?

.....

246 known / professor / was / as / a / he / university / distinguished /

.....

۵۰. جمله‌های زیر را با دانش خود و ساختار درست کامل کنید.

247 I like to learn Japanese, but

248 We always get up early, and

249 You can watch the football match on TV, or

250 We need some sugar, so

Answers

پاسخ نامه تشریحی درس ۱

۱. «D» «پسر عمومی من آنفلوآنزای خیلی بدی گرفته است.»
۲. «C» «او به خانه رفت تا از پدر بزرگ سالمندش مراقبت کند.»
۳. «A» «دوست من دارد از بچه های همسایه مراقبت می کند.»
۴. «B» «ما همیشه می توانیم با اهدا کردن (چیزی) به مردم کمک کنیم.»
۵. مراقبت کردن - احترام گذاشتن - نابود کردن - محافظت کردن
۶. برجسته - عالی - متعهد - تنبل
۷. مؤدب - با محبت - مهربان - بی رحم
۸. کاهش دادن - افزایش دادن - توسعه دادن - بهبود بخشیدن
۹. «e» «استاد دانشگاه»
۱۰. «a» «مرکز پزشکی»
۱۱. «d» «کاهش دادن فشار خون»
۱۲. «b» «دیپلم گرفتن»
۱۳. «f» «دریغ نکردن»
۱۴. «c» «دوستان صمیمی»
۱۵. گزینه (۱) - «appreciation» «من دوست دارم (مراتب) قدردانی و تشکر خودم را نسبت به همه شما ابراز کنم.»
- ① قدردانی ② بیماری
- ③ کتاب درسی ④ دارو، پزشکی
۱۶. گزینه (۴) - «teenager» «هر نوجوانی روش خودش را انتخاب می کند تا وقت آزادش را بگذراند.»
- ① عملکرد، وظیفه ② حافظه
- ③ فشار ④ نوجوان
۱۷. گزینه (۴) - «function» «من کامل مطمئن نیستم وظیفه ام در شرکت چیست.»
- ① حس ② تب، دما
- ③ وطن ④ وظیفه، عملکرد
۱۸. گزینه (۲) - «physician» «شما همیشه وقتی که تب بالایی می گیرید باید با یک پزشک (عمومی) صحبت کنید.»
- ① عکس ② پزشک (عمومی)
- ③ نوه ④ قدرت، توان
۱۹. گزینه (۱) - «regard» «من می توانم تو را به عنوان برادرم در نظر بگیرم اما تو باید هر آن چه را که من می گویم انجام بدهی.»
- ① در نظر گرفتن ② افزایش دادن
- ③ گرفتن ④ اهدا کردن
۲۰. «boost» «او به اندازه کافی قوی نبود تا اعتماد به نفسش را افزایش دهد (تقویت کند).»
۲۱. «founded» «عمومی من شرکت را ۲۰ سال پیش تأسیس کرد.»
۲۲. «might» «او ممکن است به موقع به آن جا برسد، اما من نمی توانم مطمئن باشم.»
۲۳. «born» «وقتی اولین بچه آن ها به دنیا آمد، سرشار از لذت شدند.»
۲۴. «close» «بهترین دوستم و پدرش خیلی صمیمی هستند.»
۲۵. «e» «تأسیس کردن = شروع کردن چیزی مانند یک شرکت یا مؤسسه»
۲۶. «a» «احترام گذاشتن = داشتن نظری خوب نسبت به کسی یا چیزی»
۲۷. «d» «متعهد = سخت کار کردن بر روی چیزی زیرا آن برای شما خیلی مهم است»
۲۸. «b» «پزشک (عمومی) = یک پزشک به خصوص شخصی که در پزشکی عمومی تخصص دارد»
۲۹. «c» «در نظر گرفتن، محسوب کردن = فکر کردن در مورد کسی / چیزی به شیوه ای خاص»
۳۰. «PAINS» «دکتر قریب برای درمان کودکان بیمار از چیزی دریغ نکرد.»
- توضیح: عبارت «spare no pains» به معنی «دریغ نکردن» است.
۳۱. «OTHER» «اعضای خانواده باید به (حرف های) یکدیگر گوش کنند.»
- توضیح: عبارت «each other» به معنی «یکدیگر» است.
۳۲. «MIGHT» «او مطمئن نبود. او گفت ممکن است فردا بیاید.»
۳۳. «SENSE» «سگ ها حس بویایی بسیار قوی دارند.»
۳۴. «f» «من بعد از گرفتن دیپلم به خارج رفتم تا پزشکی بخوانم.»
۳۵. «e» «خواهر کوچک من به مدت یک هفته در یک مرکز پزشکی مُدرن بوده است.»
۳۶. «b» «آن پزشک مهربان به عنوان یک پزشک متعهد محسوب می شد.»
۳۷. «a» «اولین کتاب درسی به زبان فارسی در مورد بیماری های کودکان توسط دکتر قریب نوشته شد.»
۳۸. «c» «ممکن است جالب باشد که بدانید کمک به دیگران فشار خون را کاهش می دهد.»
۳۹. «hard-working» «تو صبحانه ات را خودت درست کن! این قدر تنبل نباش!»
۴۰. «rude» «آن کارمنداها خیلی مؤدب و یاری رسان بودند.»
۴۱. «boost / increase» «آیا تو فکر می کنی باید قیمت را کاهش بدهیم؟»
۴۲. «grandchild» «این پسر، فرزند دخترم است. منظورم این است که او نوه من است.»
۴۳. «taking» «من تب دارم. پرستار الآن دارد تب من را می گیرد.»
۴۴. «founded» «بیل گیتس سال ها پیش به همراه پُل آلن مایکروسافت را تأسیس کرد.»
۴۵. «born» «آلکس در یک روستای کوچک در شمال اسپانیا در ۱۵ دسامبر ۱۹۷۳ به دنیا آمد.»

۷۰. "e" «دفتر خاطرات = کتابی که شما آن چه را هر روز انجام داده‌اید در آن می‌نویسید»
۷۱. "a" «کیوتر = یک پرندۀ خاکستری که اغلب در شهرها می‌بینید»
۷۲. "b" «مُبل = یک صندلی دراز و راحت که پشتی و دسته دارد و برای بیش از یک نفر است»
۷۳. "c" «فریاد زدن = گفتن چیزی با صدای بلند»
۷۴. "e" «او داشت سر من فریاد می‌زد زیرا دیر به خانه رسیدم.»
۷۵. "b" «خواهر کوچک من روی پای مادرم نشسته بود و به مهمان‌ها نگاه می‌کرد.»
۷۶. "a" «پزشک آلن مکرراً به او می‌گفت خیلی سخت کار نکن.»
۷۷. "c" «وقتی او خبر را شنید ناگهان به گریه افتاد.»
۷۸. "hard" «پدربزرگ من ناشنوا نیست. راستش گوش او سنگین است.»
توضیح: عبارت «hard of hearing» یک صفت است و به معنی «سنگین گوش» است.
۷۹. "burst" «آن خبر آن قدر شوکه‌کننده بود که او به محض این‌که آن را شنید به گریه افتاد.»
توضیح: عبارت «burst into tears» به معنی «به گریه افتادن» است.
۸۰. "born" «تو چه موقع و کجا متولد شدی؟» «در لندن، در اول جولای ۱۹۸۲.»
۸۱. "hug" «وقتی که شما دست‌هایتان را دور کسی می‌اندازید تا نشان دهید او را دوست دارید، شما او را در آغوش می‌کشید.»
۸۲. پاسخ دادن - سؤال کردن - پاسخ دادن - آوردن
۸۳. چه چیزی - چه موقع - در حالی که - چه طور
۸۴. بهار - روزنامه - کتاب درسی - دفتر خاطرات
۸۵. "d" «صبح بهاری»
۸۶. "a" «بلند خواندن»
۸۷. "b" «کسی را در آغوش گرفتن»
۸۸. "c" «احساس خوشحالی کردن»
۸۹. "f" «مراقبت کردن از سالمندان»
۹۰. "e" «مکرراً گفتن»
۹۱. گزینه (۳) - "keep" «من سابقاً وقتی یک نوجوان بودم مخفیانه دفتر خاطرات می‌نوشتم.»
- ۱ احترام گذاشتن ۲ کار کردن
۳ نگاه داشتن ۴ بخشیدن
- توضیح: عبارت «keep a diary» به معنی «نوشتن دفتر خاطرات» است.
۹۲. گزینه (۲) - "paused" «آن سخنران مکث کرد و سپس دوباره به صحبت کردن ادامه داد.»
- ۱ پاسخ دادن ۲ مکث کردن
۳ شنیدن ۴ ثبت کردن

۴۶. "C" «پسر دایی من ناراحت شد و ناگهان به گریه افتاد.»
۴۷. "A" «شما باید بلندتر صحبت کنید! من گوشم سنگین است.»
۴۸. "B" «من هر روز صبح به پارک می‌روم و به کیوترها غذا می‌دهم.»
۴۹. "F" «این دو نفر دارند بر سر یکدیگر فریاد می‌زنند.»
۵۰. "D" «من وقتی سیزده ساله بودم شروع به خاطره‌نویسی کردم.»
۵۱. "E" «آن مرد به سمت پسرش رفت و او را در آغوش گرفت.»
۵۲. نمره - مبل - نمره - نمره
۵۳. دفتر خاطرات - کتاب درسی - دفتر - بخشیدن
۵۴. "c" «بخشیدن کسی»
۵۵. "a" «نوشتن دفتر خاطرات»
۵۶. "b" «ناگهان به گریه افتادن»
۵۷. "d" «غذا دادن به کیوترها»
۵۸. گزینه (۲) - "recorded" «او در دفتر خاطراتش ثبت کرد که یک دوست قدیمی را دید.»
- ۱ فریاد زدن ۲ ثبت کردن
۳ اتفاق افتادن ۴ در آغوش گرفتن
۵۹. گزینه (۱) - "vase" «من یک گلدان گل تازه روی میز آشپزخانه قرار دادم.»
- ۱ گلدان ۲ مبل
۳ دفتر خاطرات ۴ امتیاز
۶۰. گزینه (۴) - "lap" «آن بچه روی پای مادرش نشست و به داستان گوش داد.»
- ۱ اشک ۲ درد
۳ دیوار ۴ پادمان
۶۱. گزینه (۳) - "calmly" «او به داخل فروشگاه رفت و با خونسردی مقداری نان برداشت و رفت.»
- ۱ به طور شفاهی ۲ با مهربانی
۳ با خونسردی ۴ امیدوارانه
۶۲. "forgive" «من به عنوان یک معلم نمی‌توانم این نوع رفتار را ببخشم.»
۶۳. "born" «او در یک روستای کوچک در ۱۵ دسامبر سال ۱۹۷۵ متولد شد.»
۶۴. "repeatedly" «آن مرد مکرراً از پلیس در مورد گزارش می‌پرسید.»
۶۵. "recorded" «زمان تصادف ۶:۲۳ عصر ثبت شد.»
۶۶. "louder" «لطفاً بلندتر صحبت کنید. من نمی‌توانم خوب بشنوم.»
۶۷. "scores" «امتیازهای آزمون مدرسه بهبود نیافته است.»
۶۸. "sofa" «بر روی میز روبه‌روی مبل یک گلدان پر از رُزهای صورتی بود.»
۶۹. "d" «بخشیدن = توقف عصبانی بودن از کسی برای کار بدی که انجام داده است»

۱۱۰. "ABROAD" «برادرم به خارج رفته است. او الان در کشور نیست.»
۱۱۱. "SURPRISINGLY" «جای تعجب نیست که در چنین روز گرمی، استخرهای شنا پر از آدم بود.»
۱۱۲. "d" «چرا تو دائماً یک سؤال را دوباره و دوباره می‌پرسی؟»
۱۱۳. "a" «من در واقع برای پسر دوست داشتنی‌ام خوشحال بودم.»
۱۱۴. "e" «در یک صبح بهاری، یک مرد روی یک مبل در خانه‌اش نشسته بود.»
۱۱۵. "b" «بعد از چند دقیقه، او پرسید ساعت چند است.»
۱۱۶. "answer" «من به جین (نامه) نوشتم، اما او پاسخ نداد.»
۱۱۷. "stopped" «او در پایین پله‌ها مکث کرد و به ساعت نگاه کرد.»
۱۱۸. "loudly" «مادر از پسرش آرام پرسید: این چیست؟»
۱۱۹. "care" «پدر من بیمار است و من باید از او مراقبت کنم.»
۱۲۰. "forgive" «اوه، متأسفم. من گلدان تو را شکستم. لطفاً من را ببخش.»
۱۲۱. "pigeon" «یک کبوتر از میان پنجره پرواز کرد و روی میز نشست.»
۱۲۲. "E" «نوجوان‌ها باید از سالمندان مراقبت کنند.»
۱۲۳. "B" «در آشپزخانه یک مایکروویو جدید هست.»
۱۲۴. "A" «او خسته بود. او دارد در باغ استراحت می‌کند.»
۱۲۵. "C" «پدرم آشپز خوبی است. او دارد املت درست می‌کند.»
۱۲۶. "D" «روشن کردن ماشین ظرفشویی به صورت نیمه خالی باعث به هدر رفتن انرژی می‌شود.»
۱۲۷. ماشین لباسشویی - ماشین ظرفشویی - مایکروویو - نوه‌ها
۱۲۸. معمولی - عجیب - معمولی - عادی
۱۲۹. شاعر - نویسنده - نویسنده - ارزش
۱۳۰. "d" «از تر کردن»
۱۳۱. "f" «پیدا کردن راه حل‌ها»
۱۳۲. "a" «پن کیک درست کردن»
۱۳۳. "b" «نسل‌های آینده»
۱۳۴. "c" «وضعیت سلامتی»
۱۳۵. "e" «آموزش مذهبی»
۱۳۶. "paused" «آینتا برای لحظه‌ای مکث کرد، سپس گفت: بسیار خُب.»
۱۳۷. "childhood" «اودر سرتاسر دوران کودکی‌اش در یک خانه زندگی کرد.»
۱۳۸. "including" «من سه روز تعطیلی شامل روز سال نو دارم.»
۱۳۹. "inspiration" «تو برای (نوشتن) کتاب از کجا الهام گرفتی؟»
۱۴۰. "elders" «امروزه بچه‌ها برای بزرگ‌ترها هیچ احترامی قائل نیستند.»
۱۴۱. "willing" «آن‌ها لیستی از کسانی را دارند که خواهان کار کردن در شپ هستند.»
۱۴۲. "d" «کشف کردن = پیدا کردن یا یاد گرفتن چیزی برای اولین بار»
۱۴۳. "e" «ابزار = چیزی که شما در دست می‌گیرید و استفاده می‌کنید تا کار خاصی انجام دهید»

۹۳. گزینه (۱) - "aloud" «وقتی او آن‌طور رفتار کرد، ما با صدای بلند شروع به خندیدن کردیم.»
- ① با صدای بلند ② در بالا ③ کافی ④ دیگر
۹۴. گزینه (۴) - "kiss" «آیا در بریتانیا مردم وقتی (یکدیگر را) ملاقات می‌کنند، (یکدیگر) را می‌بوسند؟»
- ① مکث کردن ② ترکیدن ③ احساس کردن ④ بوسیدن
۹۵. گزینه (۳) - "pains" «او اغلب بیمار بود و جک برای این‌که او را دوباره خوب کند دریغ نکرد.»
- ① مبل ② امتیاز ③ درد ④ گلدان
- توضیح: عبارت "spare no pains" به معنی «دریغ نکردن» است.
۹۶. "shouted" «آن مرد بر سر پسرهای فریاد زد که وارد چمن نشوند.»
۹۷. "strong" «دیروز از سمت شمال بادهای شدید می‌وزید.»
۹۸. "once" «همه فوراً متوجه شدند که مشکل چقدر جدی است.»
- توضیح: عبارت "at once" به معنی «فوراً، ناگهان» است.
۹۹. "cared" «آن بیمار از تمام پرستارهایی که از او مراقبت کرده بودند تشکر کرد.»
۱۰۰. "while" «او خیلی عصبانی بود و کمی طول کشید تا آرام شد.»
- توضیح: عبارت "a little while" به معنی «کمی، مدت کوتاهی» است.
۱۰۱. "feed" «لطفاً به خواهر کوچک غذا بده و مطمئن شو تا ساعت ۹ خوابیده است.»
۱۰۲. "paused" «کیم در حال خواندن ایمیلش بود اما وقتی من به داخل آمدم مکث کرد و به بالا نگاه کرد.»
۱۰۳. "c" «مکث کردن = دست کشیدن از صحبت کردن و انجام دادن کاری برای مدت کوتاهی»
۱۰۴. "a" «پاسخ دادن = گفتن یا نوشتن چیزی به عنوان پاسخی برای یک شخص»
۱۰۵. "e" «روزنامه = تکه‌های بزرگ کاغذ حاوی اخبار و چیزهای دیگر که روی آن‌ها چاپ شده است»
۱۰۶. "b" «تب = میزان این‌که بدن یک شخص چه قدر داغ است»
۱۰۷. "d" «اشک = یک قطره آب که هنگامی که گریه می‌کنید از چشم شما می‌آید»
۱۰۸. "WELL" «بعد از یک شب خواب خوب، پدر شما خوب خواهد شد.»
- توضیح: عبارت "feel well" به معنی «خوب بودن / شدن» است.
۱۰۹. "SPARED" «پزشک‌ها برای نجات جان آن بچه دریغ نکردند.»
- توضیح: عبارت "spare no pains" به معنی «دریغ نکردن» است.

۱۶۰. **"seen / are they called"** «من قبلاً هرگز چنین گُل‌هایی ندیده‌ام.

این‌ها چه نامیده می‌شوند؟»

توضیح: قسمت اول این جمله، «معلوم» است؛ زیرا فاعل آن «I» است، و قسمت دوم این جمله، «مجهول» است، پس ساختار فعل آن باید شکلی از «to be» به همراه «قسمت سوم فعل» باشد.

۱۶۱. **"don't we"** «ما اغلب بعد از ظهر تلویزیون تماشا می‌کنیم، این طور

نیست؟»

توضیح: در «Tag Question» فاعل جمله اصلی با فاعل انتهای جمله باید یکی باشد.

۱۶۲. **"didn't he"** «پیتر دیروز هندبال بازی کرد، این طور نیست؟»

توضیح: این جمله به علت وجود فعل «played»، «گذشته ساده» است و باید در «Tag Question» آن از «did» استفاده کرد.

۱۶۳. **"aren't they"** «آن‌ها از مدرسه به خانه می‌روند، این طور نیست؟»

توضیح: جمله اصلی «مثبت» است، پس «Tag Question» باید «منفی» باشد.

۱۶۴. **"will he"** «کوپین امشب نخواهد آمد، این طور نیست؟»

توضیح: در این جمله «won't» شکل کوتاه شده «Will not» است، پس «Tag Question» آن باید «مثبت» باشد.

۱۶۵. **"didn't she"** «او دیروز به کتابخانه رفت، این طور نیست؟»

توضیح: این جمله به علت وجود فعل «went»، «گذشته ساده» است و باید در «Tag Question» آن از «did» استفاده کرد.

۱۶۶. **"is it"** «این سفر خیلی گران نیست، این طور نیست؟»

توضیح: جمله اصلی «منفی» است، پس «Tag Question» باید «مثبت» باشد.

۱۶۷. **"do they"** «بچه‌ها هرگز در مدرسه بازی نمی‌کنند، این طور نیست؟»

توضیح: این جمله به علت وجود «never»، «منفی» است، پس «Tag Question» آن باید «مثبت» باشد.

۱۶۸. **"aren't I"** «قرار است من املت را درست کنم، این طور نیست؟»

توضیح: در جمله‌های مثبتی که با «I am» شروع می‌شوند، همیشه «Tag Question» به صورت «aren't I?» است.

۱۶۹. گزینه (۲) - **"to be returned"**

«آیا کتاب‌ها قرار است به مدرسه برگردانده شوند؟»

توضیح: این جمله یک جمله «مجهول» است و با ساختار «are going to» ساخته شده است و باید بعد از «be going to»، فعل «be» به همراه «قسمت سوم فعل» بیاید.

۱۷۰. گزینه (۳) - **"invited"** «چرا همه افراد به مراسم دعوت نشدند؟»

توضیح: این جمله یک جمله «مجهول» است که سؤالی شده است و در اصل فعل آن «weren't invited» بوده است.

۱۴۴. **"c"** «نسل = تمام افرادی که تقریباً در یک زمان متولد شده‌اند»

۱۴۵. **"b"** «صلح‌آمیز = آرام و خونسرد؛ نگران و آشفته نبودن؛ بدون جنگ»

۱۴۶. **"a"** «اخلاق = عقاید در مورد آن چه درست یا غلط است»

۱۴۷. **"d"** «یک چیز مهم دیگر میراث و فرهنگ ما است.»

۱۴۸. **"e"** «والدین سعی می‌کنند به ما بگویند چه قوانین و دستورالعمل‌هایی آن‌ها را موفق ساخته‌اند.»

۱۴۹. **"a"** «بعضی از اختراعات تصادفی یا توسط اشتباه دانشمندان خلق شده‌اند.»

۱۵۰. **"b"** «حافظ به عنوان یکی از مشهورترین شاعران ایرانی شناخته شده است.»

۱۵۱. **"normal"** «آن خانه تمیز و خوب نگهداری شده بود اما خیلی معمولی بود.»

۱۵۲. **"limited"** «این اسباب بازی برای کودکان بی‌شماری لذت به همراه می‌آورد.»

۱۵۳. **"hateful"** «ما عصر لذت‌بخشی را با انجام دادن بازی‌های کامپیوتری گذرانده‌ایم.»

۱۵۴. **"noisy"** «این‌جا در حومه شهر خیلی آرام است.»

۱۵۵. **"have been sent"** «آن کتاب‌ها به آدرس اشتباه فرستاده شده‌اند.»
توضیح: این جمله، «مجهول» است و ساختار فعل آن باید شکلی از «to be» به همراه «قسمت سوم فعل» باشد.

۱۵۶. **"were looked after"** «وقتی ما بیرون بودیم بچه‌های ما تحت مراقبت قرار گرفتند.»

توضیح: این جمله، «مجهول» است و ساختار فعل آن باید شکلی از «to be» به همراه «قسمت سوم فعل» باشد.

۱۵۷. **"are visited"** «در بیمارستان، بیمارها هر روز عصر ملاقات می‌شوند.»

توضیح: این جمله، «مجهول» است و به علت وجود «every afternoon» (هر روز بعد از ظهر)، زمان آن «حال ساده» است، پس ساختار فعل آن باید شکلی از «am/is/are» به همراه «قسمت سوم فعل» باشد.

۱۵۸. **"have not been invited"** «من از آوریل گذشته به مهمانی دعوت نشده‌ام.»

توضیح: این جمله، «مجهول» است و به علت وجود «since» (از ... تا حالا)، زمان آن «ماضی نقلی» است، پس ساختار فعل آن باید شکلی از «have/has been» به همراه «قسمت سوم فعل» باشد.

۱۵۹. **"play"** «مردم زیادی در سراسر جهان فوتبال بازی می‌کنند.»

توضیح: این جمله، یک جمله «معلوم» است زیرا «Many people» فاعل آن است.

۱۷۹. "was feeding" «ما حیاط را ترک کردیم وقتی مادرم داشت به کبوترها غذا می داد.»

توضیح: این جمله، یک جمله «معلوم» است، زیرا «my mother» فاعل آن است. قبلاً آموختید اگر دو جمله با کلمه ربط «when» به هم مرتبط شوند یکی به زمان «گذشته ساده» (در این جا left) و دیگری به زمان «گذشته استمراری» در این جا «was feeding» بیان می شوند. ۱۸۰. "are spoken" «من می دانم در کانادا، انگلیسی و فرانسوی هر دو صحبت می شوند.»

این جمله یک جمله «مجهول» است و یک حقیقت را بیان می کند. برای «بیان حقیقت» از زمان «حال ساده» استفاده می شود. ۱۸۱. «ماه گذشته چه چیزی توسط پدر تو خریداری شد؟»

A dishwasher was bought by my father last month.

«ماه گذشته یک ماشین ظرفشویی توسط پدر من خریداری شد.»

۱۸۲. «بچه ها در طول تعطیلات به کجا برده شدند؟»
They were taken to the park.

«آن ها به پارک برده شدند.»

۱۸۳. «قرار است چند بطری آب نوشیده شود؟»
One bottle of water is going to be drunk.

«قرار است یک بطری آب نوشیده شود.»

۱۸۴. «چه چیزی توسط آلکساندر فلمینگ کشف شد؟»
Penicillin was discovered by Alexander Fleming.

«پنی سیلین توسط آلکساندر فلمینگ کشف شد.»

۱۸۵. «چه چیزی توسط آن دختر کوچک انجام شد؟»
The pigeons were fed by the little girl.

«کبوترها توسط آن دختر غذا داده شدند.»

۱۸۶. «گردشگرها اخیراً چه چیزی را خرج کرده اند؟»
What have the tourists spent recently?

«گردشگرها اخیراً میلیون ها یورو را خرج کرده اند.»

How much have the tourists spent recently?
«گردشگرها اخیراً چه مقدار خرج کرده اند؟»

۱۸۷. «چه کسی دارد کار می کند تا درمانی برای ایدز کشف کند؟»
Who is working to discover a cure for AIDS?

«دانشمندان دارند کار می کنند تا درمانی برای ایدز کشف کنند.»

۱۸۸. «چرا او ناگهان به گریه افتاد؟»
Why did she burst into tears?

«او ناگهان به گریه افتاد زیرا نتوانست پول گم شده اش را پیدا کند.»

۱۸۹. «آن پزشک برجسته چه موقع از دنیا رفت؟»
When did that distinguished doctor pass away?

«آن پزشک برجسته در نوامبر سال ۲۰۰۶ از دنیا رفت.»

۱۷۱. گزینه (۳) - "isn't" «برادر شما در کانادا است، این طور نیست؟»
توضیح: در جمله اصلی، فعل کمکی «is» وجود دارد که «مثبت» است، پس در «Tag Question» از شکل «منفی» آن استفاده می کنیم.

۱۷۲. گزینه (۱) - "will you" «دیگر با او صحبت نکن، ممکن است؟»
توضیح: در جمله های «امری» چه مثبت باشند و چه منفی، معمولاً از «will you» به عنوان «Tag Question» استفاده می شود.

۱۷۳. گزینه (۴) - "respect" «نوجوان ها به اعضای بزرگ تر خانواده احترام می گذارند.»

توضیح: این جمله یک جمله «معلوم» است و فاعل آن «Teenagers» است، پس گزینه (۱) نادرست است. گزینه (۲) نیز ناقص است. در گزینه (۳) نیز «has» برای سوم شخص مفرد به کار می رود در صورتی که «Teenagers» جمع است، در نتیجه فقط گزینه (۴) درست است.

۱۷۴. "are being taught" «این روزها به ما توسط خانم سالیوان گرام تدریس می شود.»

توضیح: این جمله، «مجهول» است و به علت وجود «These days» (این روزها)، زمان آن «حال استمراری» است، پس ساختار فعل آن باید «are being» به همراه «قسمت سوم فعل» باشد.

۱۷۵. "didn't teach" «آن ها سال گذشته به دانشجویهای خارجی، زبان اسپانیایی تدریس نکردند.»

توضیح: این جمله، یک جمله «معلوم» است، زیرا «They» فاعل آن است و به علت وجود «last year» (سال گذشته)، زمان آن «گذشته ساده» است.

۱۷۶. "are being taken" «مجروحین همین حالا دارند توسط آتش نشان ها به بیمارستان برده می شوند.»

توضیح: این جمله، «مجهول» است و به علت وجود «right now» (همین حالا)، زمان آن «حال استمراری» است، پس ساختار فعل آن باید «are being» به همراه «قسمت سوم فعل» باشد. توجه کنید که «the injured» جمع است.

۱۷۷. "was built" «این خانه در سال ۱۹۹۱ توسط جان متیوس ساخته شد.»
توضیح: این جمله، «مجهول» است و به علت وجود «in 1991» (در سال ۱۹۹۱)، زمان آن «گذشته ساده» است، پس ساختار فعل آن باید «was» به همراه «قسمت سوم فعل» باشد.

۱۷۸. "have been played" «اخیراً تعداد زیادی بازی توسط سام و دوست هایش انجام شده است.»

توضیح: این جمله، «مجهول» است و به علت وجود «recently» (اخیراً)، زمان آن «ماضی نقلی» است، پس ساختار فعل آن باید «have been» به همراه «قسمت سوم فعل» باشد.

۲۰۰ «چه کسی به آن پیرمرد کمک کرد؟» «آن پسر به آن پیرمرد کمک کرد.»

A: Who helped the old man?

B: The boy helped the old man.

۲۰۱ «در تصویر چند تا بطری وجود دارد؟» «در تصویر دو بطری وجود دارد.»

A: How many bottles are there in the picture?

B: There are two bottles in the picture.

۲۰۲ «آن مرد در حال انجام چه کاری است؟» «او در حال رنگ زدن دراست.»

A: What is the man doing?

B: He is painting the door.

تذکر: در صورت لزوم به توضیح بیش تر برای سؤال‌های ۲۰۳ تا ۲۱۵، به

بخش آموزش گرامر مراجعه کنید.

۲۰۳ “isn't she” «همکلاسی تو مری ایتالیایی است، این طور نیست؟»

۲۰۴ “don't they” «والدین تو در لندن زندگی می‌کنند، این طور نیست؟»

۲۰۵ “doesn't she” «او می‌گوید تو فردا کار می‌کنی، این طور نیست؟»

۲۰۶ “was it” «دیروز سرد نبود، این طور نیست؟»

۲۰۷ “didn't he” «فکر می‌کنم برادر ما به کتابخانه رفت، این طور نیست؟»

۲۰۸ “weren't we” «ما در ایستگاه منتظر بودیم، این طور نیست؟»

۲۰۹ “haven't they” «آن‌ها در ژاپن بوده‌اند، این طور نیست؟»

۲۱۰ “will she” «خاله ما ساعت شش نخواهد آمد، این طور نیست؟»

۲۱۱ “didn't he” «پدر تو گفت پسرهای می‌توانند در کارخانه به ما کمک

کنند، این طور نیست؟»

۲۱۲ “must they” «جان و خواهرش نباید این‌جا بمانند، این طور

نیست؟»

۲۱۳ “isn't there” «مقداری نان در سبد وجود دارد، این طور نیست؟»

۲۱۴ “do we” «ما مقدار خیلی کمی پول برای خرج کردن داریم، این طور

نیست؟»

۲۱۵ “aren't I” «من بهترین دوست تو هستم، این طور نیست؟»

۲۱۶ «ما قرار است امشب فیلم تماشا کنیم.»

A movie is going to be watched tonight.

«امشب قرار است یک فیلم تماشا شود.»

۲۱۷ «مامان آن زمان را در یک روز خواند.»

The novel was read in one day.

«آن زمان در یک روز خوانده شد.»

۲۱۸ «معلم همیشه به سؤال‌های دانش‌آموزان پاسخ می‌دهد.»

The students' questions are always answered.

«سؤال‌های دانش‌آموزان همیشه پاسخ داده می‌شود.»

۱۹۰ «آن داستان جالب توسط چه کسی گفته شد؟»

Who was that interesting story told by?

By whom was that interesting story told?

«آن داستان جالب توسط مادر بزرگ من گفته شد.»

۱۹۱ «افراد مجروح توسط آمبولانس به کجا برده شدند؟»

Where were the injured people taken to by the ambulance?

«افراد مجروح توسط آمبولانس به بیمارستان برده شدند.»

۱۹۲ «دانش‌آموزان هر روز صبح چه ساعتی به مدرسه فرستاده می‌شوند؟»

What time are the students sent to school every morning?

«دانش‌آموزان هر روز صبح حدود ساعت ۷ به مدرسه فرستاده می‌شوند.»

۱۹۳ “is it ⇒ isn't it” «خورشید بزرگ‌تر از زمین است، این طور

نیست؟»

توضیح: جمله اصلی، «مثبت» است، پس «Tag Question» باید «منفی» باشد.

۱۹۴ “Did ⇒ Were” «آیا نوشیدنی‌های شما برای شما آورده شدند،

آقا؟»

توضیح: این جمله یک جمله «مجهول» است و نمی‌توان آن را با «Did» سؤال کرد.

۱۹۵ “hasn't it ⇒ doesn't it” «الفبای انگلیسی ۲۶ حرف دارد،

این طور نیست؟»

توضیح: در این جمله، «has» یک فعل اصلی است و باید آن را با «does» سؤال کرد.

۱۹۶ “are bought ⇒ buy / bought” «ما تمام سبزی‌مان را از بازار

می‌خریم.»

توضیح: این جمله یک جمله «معلوم» است و فاعل آن «We» است، پس ساختار فعل آن نباید به صورت «مجهول» باشد.

۱۹۷ “have been published ⇒ were published” «این

کتاب‌های درسی ماه گذشته چاپ شدند.»

توضیح: عبارت «last month» (ماه گذشته)، قید زمان «گذشته ساده» است، پس فعل این جمله «مجهول» باید «was/were» به

همراه «قسمت سوم فعل» باشد.

تذکر: پاسخ سؤال‌های ۱۹۸ تا ۲۰۲ پیشنهادی است.

۱۹۸ «شما چه موقع بیدار شدید؟» «ما ساعت پنج بیدار شدیم.»

A: What time did you get up?

B: We got up at 5:00.

۱۹۹ «آقای پارسون کجا زندگی می‌کند؟» «او در پاریس زندگی می‌کند.»

A: Where does Mr. Parson live?

B: He lives in Paris.

۲۱۹. «آری سخاوتمندانه به آن افراد بی خانمان پول اهدا کرد.»

Money was generously donated to the homeless people. / The homeless people were generously donated money.

«پول، سخاوتمندانه به آن افراد بی خانمان اهدا شد.»

۲۲۰. «امسال هزاران گردشگر در حال بازدید از گرندکنیون هستند.»

The Grand Canyon is being visited by thousands of tourists this year.

«امسال گرندکنیون دارد توسط هزاران گردشگر بازدید می شود.»

۲۲۱. «سوزان داشت برای مهمانی تعدادی پن کیک درست می کرد.»

Some pancakes were being made for the party.

«تعدادی پن کیک داشت برای مهمانی درست می شد.»

۲۲۲. آن مرد در آن اتاق با من مصاحبه شغلی کرد.»

I was interviewed for the job in that room.

«من در آن اتاق مصاحبه شغلی شدم.»

ترجمه Cloze Test

هم چنان که افراد مسن تر می شوند، از لحاظ جسمی و ذهنی تغییر می کنند. آن ها بیش تر به دیگران وابسته می شوند تا به آن ها در **فعالیت های** روزمره زندگی کمک کنند. در بعضی موارد، افراد سالمند به کسی نیاز دارند تا از آن ها مراقبت کند. بعضی از بزرگترها در خانه سالمندان و مراکز مراقبت های طولانی مدت **مورد مراقبت قرار می گیرند**، در حالی که بعضی دیگر توسط فرزندان یا **خویشاوندان** شان در منزل نگهداری می شوند. مراقبت از فرد سالمند در خانه کار ساده ای نیست. افرادی که از سالمندان در خانه مراقبت می کنند، اغلب **مسئولیت های** دیگری نیز دارند. آن ها باید ابتدا از خودشان مراقبت کنند، اما آن ها همیشه متوجه (این امر) نمی شوند و یا نمی دانند که چگونه تمام مسئولیت های خود را متعادل کنند.

۲۲۳. گزینه (۱) - "activities"

۱ فعالیت ها ۲ شکست ها

۳ نتیجه ها ۴ ورزش ها

۲۲۴. گزینه (۳) - "are looked after"

توضیح: این جمله یک جمله «مجهول» است و فعل آن باید شکلی از «to be» به همراه «قسمت سوم فعل» باشد.

۲۲۵. گزینه (۲) - "relatives"

۱ نوزادها ۲ خویشاوندان

۳ پدر بزرگ و مادر بزرگ ها ۴ دماها

۲۲۶. گزینه (۴) - "responsibilities"

۱ فشارها ۲ نوجوان ها

۳ وطن ها ۴ مسئولیت ها

۲۲۷. گزینه (۲) - "we should pass our heritage to our children"

«میراث ما برای ما حس هویت به گذشته مان و مسئولیت برای محافظت از آن برای نسل های آینده به ارمغان می آورد.»

«بر اساس جمله بالا ما باید میراث مان را به فرزندان مان انتقال

دهیم.»

۱ میراث ما فقط برای نسل های آینده مفید است

۲ ما باید میراث مان را به فرزندان مان انتقال دهیم

۳ میراث به ما حس هویت نمی دهد

۲۲۸. گزینه (۲) - "some workers made the dishwasher"

«به طرز جالبی، بعضی از ابزار و فناوری ها اصلاً توسط دانشمندان ساخته نمی شوند. برخی مانند ماشین ظرفشویی و بازی های کامپیوتری توسط افراد معمولی مانند کارگرها ساخته شدند.»

«بر اساس جمله های بالا تعدادی کارگر، ماشین ظرفشویی را

ساختند.»

۱ فقط دانشمندان می توانند چیزهایی را اختراع کنند

۲ تعدادی کارگر، ماشین ظرفشویی را ساختند

۳ همه ابزار باید توسط دانشمندان ساخته شوند

ترجمه متن

ایالات متحده به خاطر رفتار نسبت به شهروندان سالمند خود مورد انتقاد قرار گرفته است. اگرچه در بسیاری از کشورهای دیگر سالمندان معمولاً با خانواده فرزندان خود زندگی می کنند، اما بسیاری از آمریکایی های مسن تنها و بدون همراهی فرزندان خود زندگی می کنند. این وضعیت گاهی اوقات به عنوان «خودخواهی» نسل جوان سرزنش می شود، اما نگاه دقیق تر نشان می دهد که بسیاری از سالمندان ترجیح می دهند زندگی مستقل خود را حفظ کنند.

تحقیق در مورد وضعیت سالمندان در آمریکا نشان داده است که در حالی که پدر بزرگ و مادر بزرگ ها از این که توسط فرزندان و نوه های شان ملاقات می شوند، خوشحال هستند، (اما) ترجیح می دهند در محیطی زندگی کنند که با آن آشنا هستند. این نشان می دهد که فرزندان باید به والدین شان اجازه دهند که در صورت تمایل تنها زندگی کنند و باید آن ها را به حفظ ارتباطات نزدیک با بقیه خانواده تشویق کنند.

یکی دیگر از نتایج شگفت انگیز تحقیق بر روی سالمندان در ایالات متحده، تأثیر بسیار مثبت حیوانات خانگی که با افراد سالمند زندگی می کنند، بر آن ها است. نشان داده شده است که افراد مسن که از حیوانات خانگی کوچک مانند گربه ها یا سگ ها مراقبت می کنند، طولانی تر زندگی می کنند، سالم تر هستند و نسبت به سالمندان مشابه بدون این همدم ها، نگرش بهتری نسبت به زندگی دارند.

۳۴۱. "solution" «تو برای مدتی این مسئله را مطالعه کرده‌ای. فکر می‌کنی راه حل چیست؟»

۳۴۲. "author" «گفته می‌شد نویسنده این کتاب در ایتالیا است.»

۳۴۳. «بسیاری از انواع داروها تصادفی کشف شدند.»

Many types of medicine were discovered by accident.

۳۴۴. «ترافیک در جاده اصلی کمی سنگین است، بنابراین رفتن (از جاده) دیگری را امتحان کنید.»

The traffic on the main road is a bit heavy, so try taking another one.

۳۴۵. «آیا آن کتاب به زبان‌های بی شماری ترجمه شده است؟»

Has the book been translated into countless languages?

۳۴۶. «او به عنوان یک استاد دانشگاه برجسته شناخته شده بود.»

He was known as a distinguished university professor.

تذکر: پاسخ سؤال‌های ۲۴۷ تا ۲۵۰ پیشنهادی است.

۳۴۷. «من دوست دارم ژاپنی یاد بگیرم، اما وقت کافی ندارم.»

I like to learn Japanese, but I don't have enough time.

۳۴۸. «ما همیشه صبح زود بیدار می‌شویم، و به مدرسه می‌رویم.»

We always get up early, and we go to school.

۳۴۹. «تو می‌توانی مسابقه فوتبال را در تلویزیون ببینی، یا می‌توانی به ورزشگاه بروی.»

You can watch the football match on TV, or you can go to the stadium.

۳۵۰. «ما مقداری شکر لازم داریم، بنابراین من باید به خرید بروم.»

We need some sugar, so I have to go shopping.

۳۲۹. "FALSE" «فرزندان آمریکایی اجازه نمی‌دهند والدینشان تنها زندگی کنند.»

۳۳۰. "TRUE" «داشتن حیوانات خانگی باعث می‌شود سالمندان سالم‌تر باشند.»

۳۳۱. گزینه (۲) - «خیلی از سالمندان آمریکایی به تنهایی زندگی می‌کنند.»

(۱) بدون رضایت (۲) به تنهایی

(۳) با نوه‌هایشان (۴) به صورت زندگی ساده

۳۳۲. گزینه (۲) - «نویسنده به افراد جوان توصیه می‌کند به خواسته‌های والدین سالمندشان احترام بگذارند.»

(۱) ارتباطات نزدیک با والدین سالمند خودشان را حفظ کنند

(۲) به خواسته‌های والدین سالمندشان احترام بگذارند

(۳) به خویشاوندان سالمندشان اجازه دهند تعدادی حیوان خانگی پرورش دهند

(۴) به سالمندان خانواده‌هایشان اجازه ندهند به تنهایی زندگی کنند

۳۳۳. «ایالات متحده به خاطر چه چیزی مورد سرزنش قرار گرفته است؟»

«ایالات متحده به خاطر رفتار نسبت به شهروندان سالمند خود مورد انتقاد قرار گرفته است.» (سؤال و پاسخ پیشنهادی هستند.)

What has the United States been criticized for?

The United States has been criticized for the behavior towards its elderly citizens.

۳۳۴. "but" «او مجله می‌خواند، اما دوست ندارد کتاب بخواند.»

۳۳۵. "and" «من دوست دارم کلوچه بخورم، و دوست دارم شیر بنوشم.»

۳۳۶. "or" «تو می‌توانی با من بیایی خواروبار بخریم، یا می‌توانی در خانه بمانی تا من برگردم.»

۳۳۷. "so" «اشتباه قبلاً رخ داده، بنابراین الآن تو نمی‌توانی کار زیادی در مورد آن انجام بدهی.»

۳۳۸. "so" «هفته قبل از کریسمس بود، بنابراین فروشگاه‌ها معمولاً پر از مردم بودند.»

۳۳۹. "but" «او همیشه دیر به کلاس می‌آید، اما بهترین دانش آموز است.»

۳۴۰. "heritage" «این مکان‌های تاریخی قسمتی از میراث فرهنگی ایران هستند.»